



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان  
دفتر ساحوی کابل

# گزارش بررسی قضایای فرار از منزل

(در هفت ولایت مرکز افغانستان به شمول ولایت کابل)



تاریخ: حوت ۱۳۹۷



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان  
دفتر ساحوی کابل

شناسنامه اثر

عنوان:

گزارش بررسی قضایای فرار از منزل  
( در هفت ولایت مرکز افغانستان به شمول ولایت کابل، سال مالی ۱۳۹۷ )  
دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان  
جوار اداره عالی تفتیش، جاده فیض محمدکاتب، دارالامان، ناحیه ششم، کابل، افغانستان

تهیه کننده:

نشانی دفتر:

آدرس الکترونیکی:

[aihrc\\_kabul@yahoo.com](mailto:aihrc_kabul@yahoo.com)

شماره‌های تماس:

۰۷۹۰۶۹۰۰۱۰ و ۰۷۹۰۶۹۰۴۴۵ و ۰۲۰۲۵۰۰۱۹۷

صفحه‌ی انترنتی:

[www.aihrc.org.af](http://www.aihrc.org.af)

## مقدمه

فرار از منزل یک معضل اجتماعی و چالش جدی فرا راه تأمین حقوق زنان و خصوصاً دختران جوان در جامعه افغانستان می‌باشد، هرچند فرار از منزل از نظر قربانیان، راهی برای رهایی از خشونت‌های خانوادگی تلقی می‌شود اما چنانکه در گزارش حاضر مطالعه می‌نماییم، این پدیده سبب شده تا زنان زیادی دچار آسیب‌ها و صدمه‌های جدی اجتماعی شوند.

ارزیابی‌های انجام شده نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان، خصوصاً خشونت‌های خانگی یکی از دلایل عمده فرار از منزل می‌باشد؛ انواع مختلف خشونت خانگی، به صورت خاص نامزادی و ازدواج‌های اجباری و قبل از اكمال سن قانونی و عدم احترام به رضایت زنان در اینگونه ازدواج‌ها زمینه را برای فرار از منزل فراهم می‌سازد. زیرا اکثر قربانیان راهی جز فرار از منزل را برای نجات از خشونت تصور نمی‌کنند. از اینکه قربانی بدون رضایت و در جریان گذاشتن فامیل و اقارب خانه را ترک می‌کند، خود نشان دهنده حاکم بودن شرایط دشوار و ناگوار در محیط خانه می‌باشد، چون قربانیان فرار از منزل با وصف اینکه نسبت به آینده خوشبین نیستند باز هم ترجیح می‌دهند که به چنین اقدامی مبادرت بورزند.

براساس قوانین نافذ کشور فرار از منزل به قصد ازدواج با رضایت زن، جرم نبوده و در صورت تحقق شرایط مندرج در قانون، هردو جانب قضیه قابل تعقیب عدلی نمی‌باشند؛ ماده ۵۹۹ کود جزای افغانستان مقرر می‌دارد که "هرگاه شخصی، زنی را که سن قانونی ازدواج را تکمیل کرده باشد، بمنظور ازدواج از محل اقامت اولیای وی با خود ببرد در صورتی که به رضایت و رغبت زن قانوناً با وی عقد ازدواج نماید، این عمل اختطاف شناخته نمی‌شود".<sup>۱</sup> از حکم ماده ۵۹۹ کود جزای افغانستان چنین استنباط می‌گردد که این قاعده به منظور حمایت از حق آزادی ازدواج و اراده طرفین برای تشکیل خانواده وضع شده است و شرط عقد ازدواج نیز معطوف به آینده بوده و به منظور تضمین رضایت زن در عقد ازدواج در نظر گرفته شده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان قضایای فرار از منزل را منحصراً یکی از انواع خشونت علیه زنان ثبت نموده و به منظور حمایت از قربانیان آن مورد رسیدگی و پیگیری قرار می‌دهد و از حقوق قربانیان حمایت می‌نماید. دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز قضایای فرار از منزل را به عنوان یکی از مشکلات جدی خانواده‌ها و زنان، در کنار سایر قضایای خشونت علیه زنان، بررسی نموده و مورد رسیدگی قرار داده است.

گزارش حاضر قضایای فرار از منزل را که در ساحات تحت پوشش دفتر ساحوی کابل (هفت ولایت مرکز افغانستان؛ کابل، پروان، کاپیسا، پنجشیر، لوگر، غزنی و میدان وردک) و یا سایر ولایات اتفاق افتاده و به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده و در آن ثبت گردیده است، مورد بررسی قرار داده و اهداف، عوامل و پیامدهای فرار از منزل در قضایای ثبت شده را تحلیل کرده است.

<sup>۱</sup>. کود جزای افغانستان، ماده ۵۹۹

تلاش شده در گزارش حاضر تحلیل دقیق از قضایای فرار از منزل، آمار دقیق قضایای ثبت شده فرار از منزل، علل و عواملی که باعث فرار زنان از خانه می‌شود، پیامدها و عواقب فرار از منزل، بررسی اجمالی از وضعیت حقوق بشری زنان در مراکز حمایوی زنان و اجراء دفتر ساحوی کابل در قبال قضایای ثبت شده فرار را ارایه گردد.

از نظر زمانی، آن تعداد قضایای فرار از منزل در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است که از اول ماه جدی ۱۳۹۶ الی آخر ماه قوس ۱۳۹۷ به بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل، مستقیماً از جانب قربانی و یا اقارب ایشان ثبت شده و یا در جریان نظارت کارمندان بخش حقوق زنان، از مراکز حمایوی زنان، و سایر مراکز نگهداری زنان، دریافت شده است.

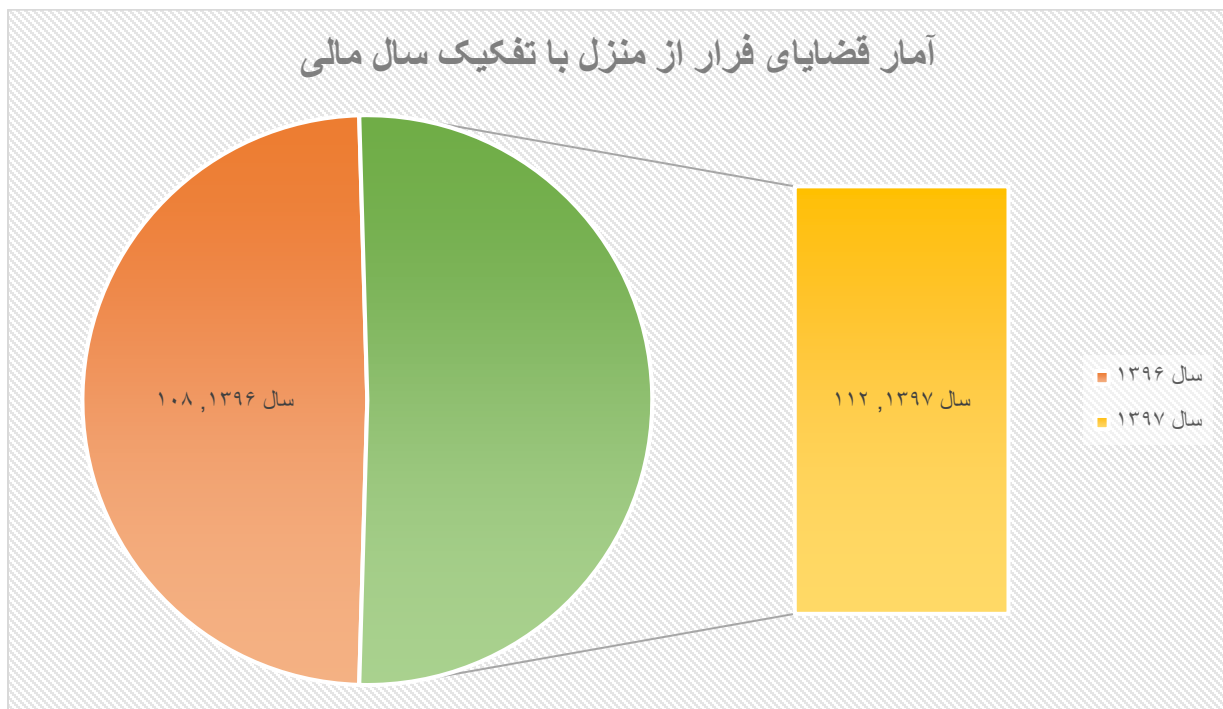
امیدوار هستیم یافته های این گزارش و پیشنهادات که در آن مطرح می‌شود مورد توجه مراجع ذیربط قرار گیرد و منجر به حمایت مؤثرتر از قربانیان قضایای فرار از منزل شده و زمینه های رعایت و احترام به حقوق بشری زنان در خانواده‌ها را بیشتر از پیش فراهم نماید.

گزارش حاضر توسط ریاست دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان طراحی، اصلاح و بازنگری شده و توسط آمر و معاونین بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل تهیه و گردآوری گردیده است. ریاست دفتر ساحوی کابل از آمر و معاونین بخش حقوق زنان و سایر همکارانیکه در جمع آوری معلومات، تهیه و نشر گزارش همکاری کرده‌اند، تشکر و سپاسگزاری می‌نماید.

## تحلیل و بررسی قضایای فرار از منزل

یافته‌های بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل نشان می‌دهد که در جریان سال مالی ۱۳۹۷ به تعداد ۱۱۲ مورد قضیه فرار از منزل در این بخش ثبت گردیده است که ۸۱ مورد آن مستقیماً به دفتر ساحوی کمیسیون مراجعه نموده است و به تعداد ۳۱ مورد آن طی نظارت‌های انجام شده از مراکز حمایتی زنان در تمام ولایات تحت پوشش دفتر ساحوی کابل و طی مصاحبه با قربانیان این قضایا در مراکز حمایتی زنان، به ثبت رسیده است. این آمار در مقایسه با زمان مشابه در سال گذشته، نشان‌دهنده ۳,۷ فیصد افزایش در قضایای فرار از منزل می‌باشد. زیرا در سال مالی ۱۳۹۶، به تعداد ۱۰۸ مورد قضیه فرار از منزل در بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل ثبت و رسیدگی شده بود.

از آنجاییکه قضایای فرار از منزل ارتباط مستقیم با خشونت خانوادگی، خصوصاً ازدواج‌های اجباری دارد، با افزایش موارد خشونت علیه زن در خانواده‌ها، قضایای فرار از منزل نیز افزایش می‌یابد. آمار فوق هم متناسب با میزان خشونت‌های ثبت شده علیه زنان افزایش یافته و متأسفانه زمینه ساز مشکلات عدیده‌ای برای قربانیان این قضایا شده است.



نکته قابل ذکر دیگر اینکه؛ قضایای فرار از منزل به مراتب بیشتر از آنچه در این گزارش آمده است، اتفاق می‌افتد، اما آمار دقیق آن نشر نمی‌شود، بخش زیادی از این گونه قضایا توسط مراجع رسمی و اکثراً غیر رسمی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد اما به نهادهای حمایت کننده نظیر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان خبر داده نمی‌شود. عرف و عنعنات نا پسند، نا امنی، دیدگاه منفی و مداخله زورمندان سبب می‌شود که اکثریت این قضایا به کمیسیون و ارگانهای عدلی و قضایی مراجعه کرده نتوانند. قربانیان فرار از منزل به ندرت موفق به مراجعه مستقیم به دفتر کمیسیون می‌شوند، اکثریت قربانیان به دشواری

غیر قابل وصف به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده و تحمل این سختی‌ها نشان دهنده نهایت ناچاری، ناگزیری و درماندگی قربانیان می‌باشد. مثلاً برخی از قربانیان در نیمه‌های شب، صبح زود، حتی قبل از اذان صبح، بعضاً با چهره کبود و خود آلود، به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده و از خشونت‌هایی که علیه وی اعمال شده شکایت کرده و خواهان حمایت شده‌است. بنابراین، آمار فوق مطمئناً بخشی از قضایای فرار از منزل است نه تمام قضایای که در ولایات تحت پوشش دفتر ساحوی کابل اتفاق افتاده‌است.

با در نظر داشت نکات پیش گفته، آمار متذکره قابل ملاحظه بوده و نشان دهنده آن است که فرار از منزل یک مشکل حاد اجتماعی، خصوصاً برای زنان و دختران است و نشان از عمق خشونت و آزار و اذیت زنان از خانواده تا سطوح مختلف جامعه دارد. فرار از منزل که در ظاهر راهی برای رهایی از خشونت به نظر می‌رسد، پیامدهای ناگوار و ناخوشایند برای قربانیان و خانواده‌های شان به دنبال دارد.

آنگونه که در مقدمه تذکر رفت، گزارش حاضر قضایای فرار از منزل از هفت ولایت مرکز افغانستان را در بر می‌گیرد، اما در دفتر ساحوی کابل علاوه بر ولایات متذکره، از ولایات دور دست دیگر نیز قربانیان مراجعه نموده و خواهان حمایت شده‌اند. داتابیس بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل نشان می‌دهد که از ۱۱۲ قضیه که در این بخش ثبت گردیده، ۵۷ مورد آن مربوط به ولایت کابل بوده که ۵۰٫۸۹ فیصد تمام قضایای فرار از منزل را تشکیل می‌دهد، این رقم در سال گذشته ۷۵ مورد (۶۹٫۴۴٪) بوده‌است. از اینکه ولایت کابل یکی از ولایات پر نفوس بوده از این سبب تعداد بیشتر مراجعین از ولایت کابل بوده‌است. اما آنگونه که ملاحظه می‌شود، شمار قضایای فرار از منزل در ولایت کابل ۱۸،۵۵ درصد کاهش یافته‌است.

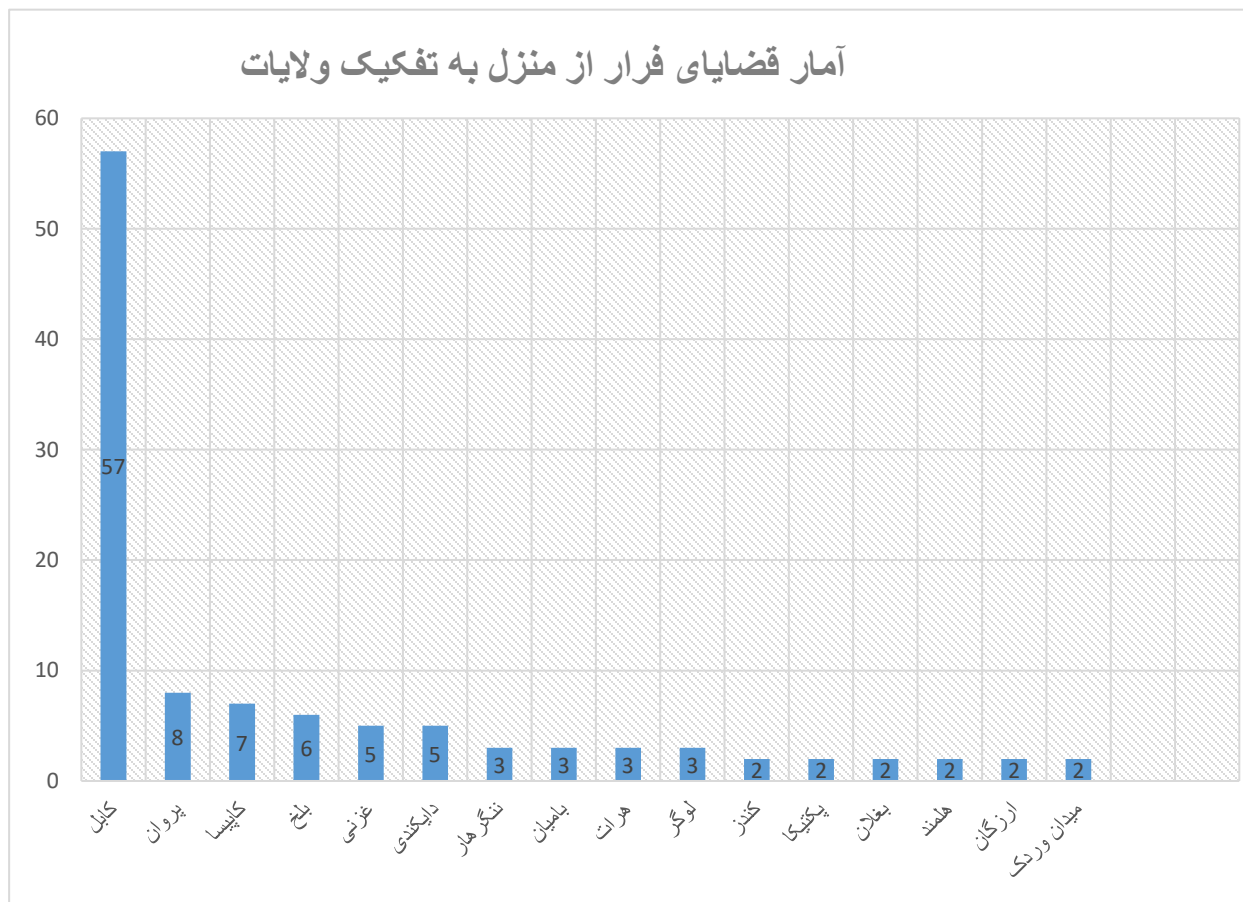
قطعاً نشر گزارش فرار از منزل در سال قبل، تدویر برنامه‌های آگاهی‌دهی و آموزشی گسترده در سال گذشته و سایر فعالیت‌های دادخواهانه دفتر ساحوی کابل، در کاهش ۱۸ درصدی قضایای فرار از منزل نقش داشته و این برنامه‌های مؤثریت لازم را در پی داشته‌است.

سایر قضایای از سایر ولایات تحت پوشش و حتی از دور ترین ولایات نیز در دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده اند چون متضررین خشونت به نسبت نا امنی و نداشتن مصونیت در ولایات شان تلاش نموده اند که به دفتر ساحوی کابل مراجعه و خواهان حمایت و مساعدت شوند.

آنگونه که در نمودار زیر مشاهده می‌شود قضایای فرار از منزل به ترتیب زیر از ولایات تحت پوشش ثبت شده‌است؛ به تعداد ۵ مورد از ولایت غزنی بوده در حالیکه در سال قبل ۳ بود، ۲ مورد از ولایت میدان وردک، ۳ مورد از ولایت ننگرهار در سال قبل ۲ مورد از این ولایت بوده، ۲ مورد از ولایت بغلان اما در سال قبل هیچ موردی نداشتیم، ۳ مورد از ولایت لوگر، ۲ مورد از ولایت کندز، ۳ مورد از ولایت بامیان اما در سال قبل بالغ بر ۴ مورد می‌رسید که این مورد در جریان سال جاری ۲ مورد کاهش یافته است، ۸ مورد از ولایت پروان بوده در حالیکه در سال قبل به تعداد ۶ مورد بوده که ۲ مورد افزایش را نشان می‌دهد، از ولایت دایکندی ۵ مورد اما در سال قبل ۳ مورد بوده، ۷ مورد از ولایت کاپیسا اما

در سال قبل ۶ مورد بوده ۱ مورد از ولایت پینجشیر بوده در سال قبل هیچ قضیه فرار از منزل نداشتیم، ۶ مورد از ولایت بلخ در حالیکه در سال قبل بالغ بر ۲ مورد می شد، ۲ مورد از ولایت پکتیکا، ۳ مورد از ولایت هرات، ۲ مورد از ولایت هلمند، ۲ مورد از ولایت ارزگان" می باشند.

قربانیان به دلیل اینکه در ولایات احساس مصؤونیت نکرده اند برای حفاظت از جان خود اکثراً به کابل آمده و به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده اند. اما در اکثریت موارد خانواده های قربانیان برای اینکه موضوع در ارگانهای عدلی و قضایی و در مراجع رسمی تحت پیگیری قرار نگیرد، تلاش می کنند که با اعمال نفوذ یا با زور از رفتن قربانی به چنین مراجع جلوگیری نمایند. نمودار زیر آمار قضایای فرار از منزل به تفکیک ولایات را نشان می دهد:



## اهداف فرار از منزل

در این بخش گزارش اهداف و مقاصدی که قربانیان قضایای فرار از منزل داشته و به منظور تحقق آن خانه و خانواده خود را ترک کرده اند، مورد بررسی قرار می گیرد. رهایی از خشونت خانوادگی، مطالبه تفریق و جدا شدن از شوهر خود و فرار به قصد ازدواج و نجات از ازدواج اجباری از اهدافی است که در قضایای فرار از منزل شناسایی شده است. البته اهداف

برخی از قربانیان که دست به فرار از منزل زده‌اند، برای همکاران بخش زنان ثابت نشده‌اند. این قضایا بیشتر قضایای لادرکی است.

انگیزه افراد فراری بر حسب جنسیت، سن، تحصیلات و محیط زندگی، متفاوت است، اما آنچه غیر قابل انکار است این است که اکثریت قاطع قربانیان از ناگزیری، درماندگی و ناچاری فرار از منزل را برای نجات از دشواری‌ها و شداید زندگی انتخاب نموده و راهی جز فرار و ترک خانواده خود نداشته‌اند. با آنکه نگاه افراد جامعه نسبت به قربانیان فرار از منزل اغلب منفی بوده و گمان پاره‌ای از افراد بر این است که زنانیکه دست به فرار از منزل می‌زنند، اشخاص قابل اعتماد نبوده و از روی هوس با شخص دیگر فرار می‌کنند. در حالیکه بررسی قضایای ثبت شده فرار از منزل در دفتر ساحوی کابل نشان می‌دهد که زنان و دختران اکثراً بخاطر داشتن شرایط دشوار زندگی، حاکمیت رسم و عنعنات ناپسند اجتماعی، فقر، خشونت خانوادگی، محدودیت‌های ناموجه خانواده‌ها، نادیده انگاری شخصیت قربانیان در خانواده‌ها، عدم احترام به حقوق بشری قربانیان از جمله حق آزادی ازدواج، رهایی از فشارها، قید و بندها، خشونت‌ها و آزارهای خانواده و کسب آزادی عمل در رفتارهای فردی و اجتماعی، گاه‌گاهی لجاجت با خانواده، سلب و عدم تعلق و دلبستگی به خانواده، تحت فشار قرار گرفتن از سوی دیگران برای تحقق خواسته‌های خود در خصوص زندگی، اقدام به ترک خانه و اعضای خانواده خود می‌کنند.

یافته‌های این گزارش واضح می‌سازد که زنان و دختران بخاطر این همه چالش‌ها، پا به فرار می‌گذارند که متأسفانه اکثراً با سرنوشت ناگوار، ناخواسته و غیر قابل پیشبینی مواجه می‌شوند. دفتر ساحوی کابل از بررسی قضایای فرار از منزل دریافته است که قربانیان هدفمندانه دست به ترک منزل می‌زنند و مجبور به فرار از منزل می‌شوند.

**فرار از منزل به قصد ازدواج:** بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که ۲۱ نفر از قربانیان به قصد ازدواج با شخص مورد نظر خود و برای رهایی از ازدواج اجباری، فرار نموده‌اند. براساس اسناد بین المللی حقوق بشر و احکام قوانین نافذ کشور، آزادی در ازدواج از حقوق بشری تمام افراد بشر می‌باشد، رضایت شرط اساسی و غیر قابل تخطی در ازدواج بوده<sup>۲</sup> و اجبار در ازدواج براساس قانون منع خشونت علیه زن جرم می‌باشد.<sup>۳</sup> اما برخی خانواده‌ها به دلیل حاکمیت عرف و عادات ناپسند اجتماعی به این حق دختران خانواده احترام نگذاشته و دختران خود را وادار به ازدواج با فرد مورد نظر خود می‌کنند و از ازدواج آزادانه دختران ممانعت می‌نمایند. این امر که خود نوعی خشونت علیه زنان است، زمینه ساز فرار از منزل می‌شود و قربانیان برای رهایی از ازدواج اجباری باشخص مورد نظر خانه خود را ترک می‌کنند.

**مطالبه تفریق:** آنگونه که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، هدف قربانیان ۳۲ مورد از قضایا، مطالبه تفریق و جداسدن از شوهر شان بوده است. این رقم در سال گذشته ۳۱ مورد ثبت شده است که تفاوت چندانی در آن دیده نمی‌شود. این قربانیان بعد از ازدواج‌های اجباری و زیر سن مورد خشونت‌های گوناگون قرار گرفته و یا شوهر معتاد داشته که قادر به تأمین نفقه

۲. قانون مدنی افغانستان، ماده ۶۶

۳. قانون منع خشونت علیه زن، ماده ۲۶

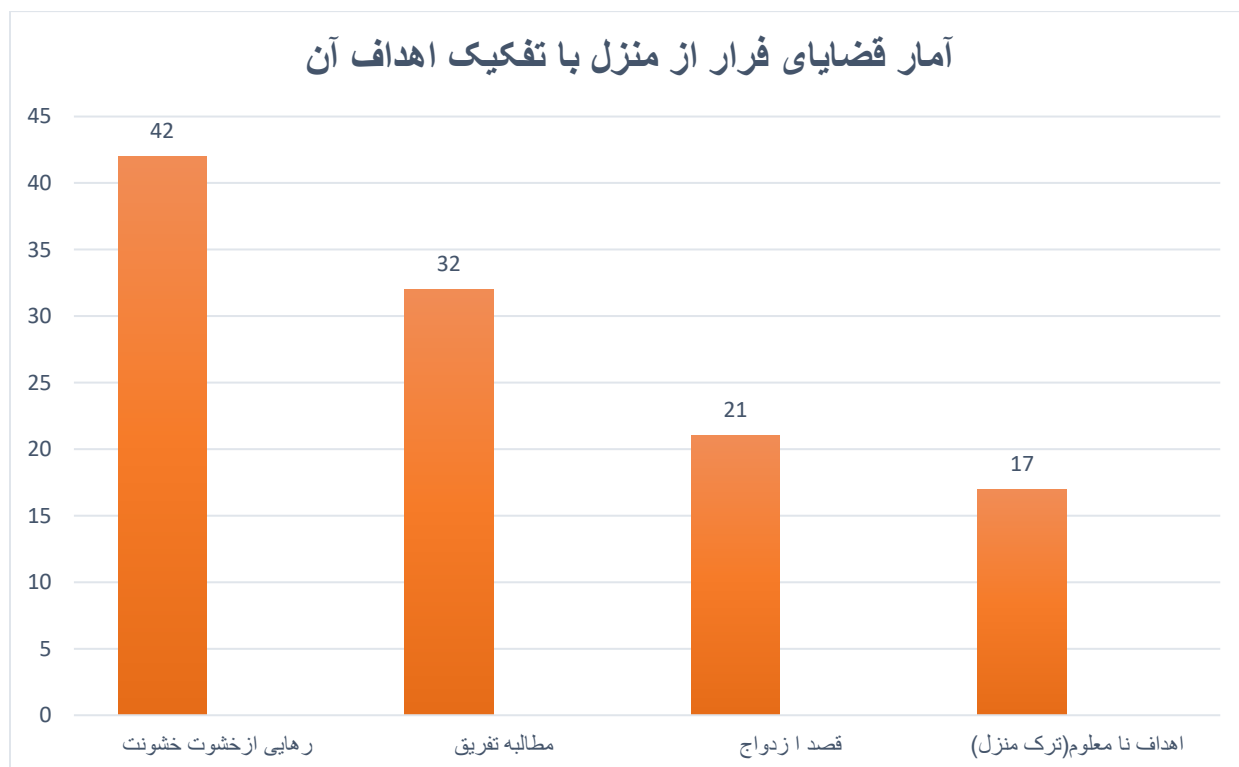


خانواده خود نبوده و یا حتی قصد سؤاستفاده از خانم خود را داشته و زمانی که خواهان تفریق شده مورد حمایت خانواده‌های خود قرار نگرفته اند و از این سبب اقدام به فرار از منزل نموده‌اند.

**رهایی از خشونت خانوادگی:** یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که قربانیان در ۴۲ مورد قضایا جهت رهایی از انواع خشونت های فیزیکی، لفظی روانی و توهین و تحقیر از خانه فرار نموده اند. این رقم در سال مالی ۱۳۹۶ به ۳۴ مورد می‌رسید، یعنی قضایای فرار از منزل به منظور رهایی از خشونت ۱۹ درصد افزایش یافته‌است که نشان از افزایش خشونت خانگی علیه زنان دارد. این آمار نشان می‌دهد که متأسفانه هنوز هم زنان قربانی انواع مختلف خشونت‌ها در خانواده بوده که مجبوراً پا به فرار می‌گذارند. قربانیان این نوع قضایا اکثراً زنان و دخترانی بوده‌اند که بین سنین ۱۶ الی ۳۵ سال قرار داشته‌اند. در میان این قضایا ۱ مورد قضیه فرار از منزل به بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده که ۱۶ سال عمر داشته و برای رهایی از توهین و تحقیر خانواده‌اش از خانه فرار نموده‌است.

در کنار قضایای فرار از منزل در سال جاری، به تعداد ۱۷ مورد قضایای لادرکی در این بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل ثبت گردیده است که این قربانیان نخواستند بعد از فرار، فامیل خود و یا کدام ارگان رسمی را در جریان بگذارند و یا هم دو باره به خانه برگشته و بعد از بررسی و پیگیری‌های لازم قضایا واضح گردیده که آنان از منزل فرار نموده اما قصد و هدف آن به صورت واضح برای کارمندان کمیسیون روشن نشده و یا اهداف مختلف و متفاوت با کتگوری‌های فوق در آن دخیل بوده‌است.

گراف ذیل نشان دهنده اهداف فرار از منزل در جریان سال مالی ۱۳۹۷ میباشد:

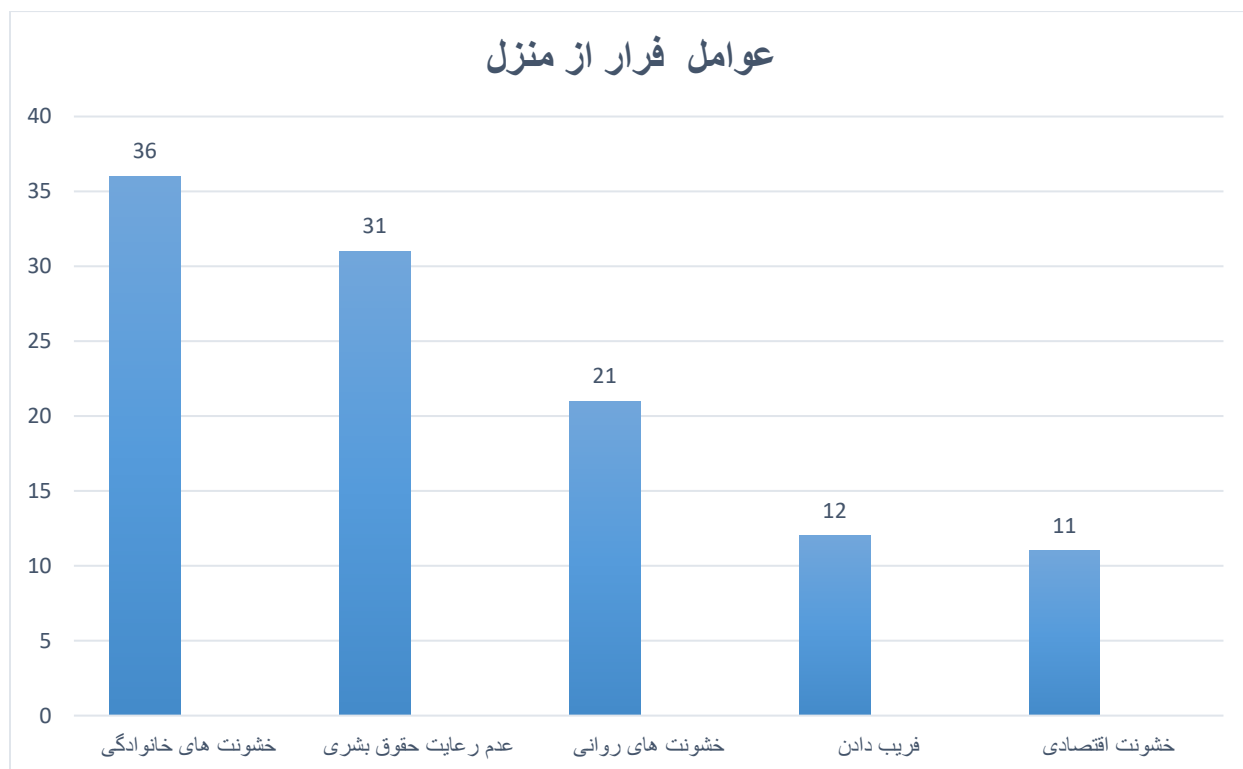


## عوامل فرار از منزل

فرار از منزل یکی از پرچالش‌ترین معضلات سر راه زنان است که وضعیت قربانیان را به بحران می‌کشد، در ابتدا این چالش به عنوان یک مشکل شخصی و یا خانوادگی در نظر گرفته می‌شد اما اکنون به علت تأثیراتی که فرار زنان و دختران به بدنه جامعه وارد می‌کند. این امر یک آسیب اجتماعی بشمار می‌رود. بنابر یافته‌های دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، عوامل مختلف اجتماعی و خانوادگی در وقوع قضایای فرار از منزل دخالت دارد، که در این بخش گزارش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی‌های دفتر ساحوی کمیسیون در سال ۱۳۹۷ نشان‌دهنده آن است در فرار زنان از منزل پنج دسته از عوامل عمده نقش اساسی و تعیین کننده داشته‌است؛ از جمله ۱۱۲ مورد قضیه، ۳۶ تن به دلیل خشونت‌های شوهر و دیگر اعضای خانواده از منزل فرار نموده‌اند. این رقم نسبت به سال قبل افزایش را نشان می‌دهد، چون در سال قبل این آمار به ۳۲ مورد بالغ می‌گردید. ۲۱ تن به دلیل خشونت‌های لفظی و روانی مجبور به ترک منزل گردیده‌اند که این آمار در مقایسه با سال ۱۳۹۶ تغییر نکرده‌است. ۱۱ تن به دلیل داشتن مشکلات جدی اقتصادی پا به فرار گذاشته‌اند، ۱۲ نفر دیگر از قربانیان توسط مردان فریب داده‌شده و مردان فرار دهنده با وعده‌های دروغین آنانرا اغوا کرده‌اند. ۳۱ نفر از قربانیان به دلیل رعایت نشدن حقوق بشری شان در خانواده مجبور به فرار گردیده‌اند، این رقم در سال قبل ۳۴ مورد بوده که آمار آن در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته‌است.

نمودار زیر عوامل فرار از منزل را نشان می‌دهد:



اول) خشونت های خانوادگی: با بررسی قضایای فرار از منزل میتوان گفت که ۳۶ مورد قضایای فرار از منزل به سبب خشونت و بدرفتاری از سوی شوهران و سایر اعضای فامیل قربانیان بوده است. هرچند برای زنان و همه انسان ها بهترین سرپناه و مکان با امن خانه و اعضای خانواده آنها می باشد، اما اشکال مختلف خشونت و تبعیض میان زنان و مردان یک خانواده و اعمال خشونت علیه زنان در این خانواده ها سبب می شود که دیگر خانواده و منزل یک مکان مصون و امن برای زنان و دختران نباشد. فضای خشونت آمیز سبب می شود که زنان و دختران از خانه فرار نمایند. بناً یکی از عوامل فرار دختران و زنان از خانه شوهر و خانه پدر، خشونت های است که در آنجا علیه شان تحمیل می گردد. این خشونت انواع مختلف دارد، از لت و کوب گرفته تا شکستن و قطع اعضای بدن، کندن و تراشیدن مو و غیره موارد. سر انجام زنان و دختران با تحمل این همه خشونت ها مصمم می شوند تا از همه تعلقات خانوادگی بریده و دست به فرار بزنند.

در این قسمت گزارش روایت یکی از قربانیان و اجراءات کمیسیون در قسمت رسیدگی قضیه وی را به عنوان ذکر می کنیم:

” من ۲۸ سال دارم، مدت هشت ماه قبل با اسامی ..... ازدواج نمودم، اما زمانیکه به خانه شوهرم رفتم از همان ابتدا مورد خشونت های گوناگون چون توهین، تحقیر، لت و کوب، آزار و اذیت جنسی و ... قرار گرفتم. با وجود این هم نخواستم از شوهرم شکایت کنم. اما زمانیکه که شوهرم از من تقاضا کرد تا با انجام دادن فعل نا مشروع برایش پول بیاورم، دیگر ادامه زندگی با این وضعیت با شوهرم برایم دشوار شد و خواستم که مرا مجبور به انجام این اعمال زشت نسازد و بگذارد کنار شان بمانم و حاضر بودم تمام کار های خانه را انجام بدهم و از همه فامیل مواظبت کنم، اما بگذارد که با آنها یکجا باشم، اما شوهرم حرفم را قبول نکرد و به لت و کوب من ادامه داد. تا اینکه احساس کردم شوهرم می خواهد مرا بقتل برساند. وقتی این را به خانواده پدرم گفتم، با تأسف که حرفم را هیچ کس باور نکرد و نخواستند مرا در چنین شرایط سخت حمایت و یاری کنند. سر انجام من مجبور شدم از خانه شوهرم فرار نمایم و به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پناه ببرم.“

از آنجاییکه این خانم مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته و مجبور به فحشاء شده بود و در عین حال حمایت اعضای خانواده شوهر و پدر را نیز با خود نداشت، مجبور شده بود که از خانه فرار کرده و به دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مراجعه نماید. این قربانی در اسرع وقت به یکی مراکز حمایتی زنان در شهر کابل انتقال داده شد. بعد از سپری نمودن یک مدت زمان خواست از شوهرش تفریق بگیرد که این مشکل با همکاری مرکز حمایتی و تعیین وکیل مدافع برای وی در محکمه محترم فامیلی حل شد و قربانی توانست از شوهر خود جدا شده و تفریق بگیرد. جنبه جزایی این قضیه در سارنوالی محترم منع خشونت تحت دوران می باشد، و شوهر این خانم تحت تعقیب ارگان های عدلی و قضایی قرار دارد، خانم مذکور بعد از یک مدت تحت مداوی بود و به خواست خودش، با اخذ تضمین توسط مراجع قانونی مربوطه، به یکی از برادرانش تسلیم داده شد. بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل به صورت دوامدار از وی احوال می گیرد، وی فعلاً در وضعیت مناسبی به سر می برد.

**دوم) خشونت های روانی:** در بررسی قضایای سال ۱۳۹۷ به تعداد ۲۱ مورد قضیه فرار از منزل که قربانیان آن ناپدید شده‌اند در دفتر ساحوی کابل توسط فامیل و اقارب ایشان ثبت گردیده‌است، این بررسی نشان می‌دهد که این قربانیان مورد خشونت های لفظی و روانی، تهدید و تبعیض جنسیتی قرار گرفته‌اند. قضایای لادرکی و ناپدید شدن توسط دفتر ساحوی کابل تحت پیگیری قرار گرفته، صرفاً روشن گردیده که این افراد از منزل فرار نموده و دلایل و اهداف آن روشن نیست.

**سوم) عدم رعایت حقوق بشری زنان در خانواده‌ها:** از قضایای که به این دفتر مراجعه کرده طی بررسی‌ها معلوم می‌شود که نابرابری جنسیتی، ناقص شمردن زنان، جنس دوم پنداشتن زنان در برخی از خانواده‌ها، سبب شده که حقوق زنان در بعضی از خانواده‌ها و بالاخره در اجتماع رعایت نگردیده و ابتدایی ترین حق بشری برای شان داده نشود.

نامزادی اجباری، ممانعت از انتخاب همسر، ازدواج‌های زیر سن، ممانعت از تحصیل، از موارد نقض حقوق بشری بشمار می‌رود که سبب شده زنان، دختران جوان و نو جوان از منزل فرار نموده و حقوق بشری خود را به این صورت مطالبه نمایند. در این بخش گزارش به تحلیل و بررسی برخی از عمده‌ترین حق‌های بشری که نقض آن موجب فرار از منزل می‌شود، پرداخته شده‌است:

**الف) ممانعت از انتخاب همسر:** قربانیان ۱۷ مورد از قضایای فرار از منزل به دلیل ممانعت از انتخاب همسر، خانه و خانواده خود را ترک کرده‌اند. ممانعت از انتخاب همسر و به ازدواج دادن دختران بدون رضایت و رغبت ایشان، یکی از رایج ترین و عام ترین مصادیق خشونت ها علیه زنان در افغانستان می‌باشد. در حالیکه انتخاب همسر حق هر زن و مرد عاقل و بالغ می‌باشد، هیچ شخصی حق ممانعت از انتخابات همسر را ندارد. چنانچه ماده پنجم قانون منع خشونت علیه زنان ممانعت از انتخاب همسر را مصداقی از خشونت علیه زنان پنداشته و این عمل را جرم محسوب نموده و در ماده ۲۷ این قانون در مورد مجازات مرتکبین این جرم، چنین صراحت دارد: هرگاه شخصی مانع ازدواج زن گردد و یا حق انتخاب زوج را از وی سلب نماید حسب احوال به حبس قصیر محکوم می‌گردد.<sup>۴</sup>

علی‌رغم ضمانت‌های قانونی فوق، ۱۷ نفر از قربانیان به دلیل ممانعت از انتخاب همسر و عدم رعایت حق آزادی ازدواج وی توسط خانواده‌های خود، از منزل فرار نموده تا با فرد مورد نظر خود ازدواج نماید.

**ب) ازدواج و نامزادی اجباری:** یکی از عوامل عمده و مهم فرار از منزل، نامزادی‌های و نکاح‌های اجباری می‌باشد. بررسی‌ها نشان داده‌است که در جریان سال مالی ۱۳۹۷ تعدادی از قربانیان فرار از منزل به سبب نامزادی اجباری و ازدواج‌های اجباری به کمیسیون مراجعه نموده‌اند .

در سال جاری ۷ تن از قربانیان فرار از منزل جهت فسخ نامزادی که به اجبار صورت گرفته بود به مراکز حمایتی راجع شده و با معرفی وکیل مدافع از قربانیان حمایت صورت گرفت. و همچنان تعدادی از قربانیان جهت رهایی از ازدواج

<sup>۴</sup>. قانون منع خشونت علیه زن، مواد ۵ و ۲۷

اجباری به دفترساحوی کابل مراجعه نموده که از طریق کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به ارگانهای مربوطه راجع و از قربانیان حمایت صورت گرفته است. قوانین نافذ کشور در مورد صراحت دارد و ماده ۵ قانون منع خشونت علیه زنان، نکاح اجباری را جرم پنداشته و در ماده ۲۶ این قانون در مورد مجازات آن چنین مقرر داشته است: هرگاه شخصی زنی را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نموده بدون رضایت وی نامزد یا به عقد نکاح در آورد، حسب احوال به حبس متوسط، که از دو سال کمتر نباشد محکوم، نامزادی و نکاح مطابق به احکام قانون فسخ می گردد.<sup>۵</sup>

با وصف اینکه در مورد ممنوعیت نکاح اجباری ضمانت‌های قانونی وجود دارد، اما برخی از خانواده‌ها این حق را نادیده گرفته و حقوق بشری زنان و دختران را نقض می‌کنند و خلاف میل، آنها را به اجبار نامزد و یا به عقد ازدواج شخص مورد نظر خانواده در می‌آورند که هیچکدام این پیوند ها موفق نبوده و بزودی از هم می‌پاشد و یا قربانیان دست به فرار از منزل می‌زنند.

در این قسمت یکی از قضایای که قربانی آن به دلیل ازدواج اجباری از منزل فرار نموده به عنوان مثال ذکر می‌گردد:

**” مسلمات ..... دختر ۱۹ ساله، باشنده یکی از ولایات تحت پوشش، به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده و علت فرار خود از منزل را چنین بیان می‌کند: مدت یکسال قبل با شخصی بنام ..... به خواست فامیلم نامزد شدم، من به این پیوند راضی نبودم، نامزادم از این موضوع خبر شده بود و به این دلیل همواره از سوی نامزادم تهدید می‌شدم و برایم همیشه می‌گفت که بعد از عروسی مرا خواهد کشت. این مشکل را به فامیل در میان گذاشتم اما هیچ توجه نشد، از اینکه مرا خانواده ام حمایت نکرده و از سوی دیگر مرا جبراً نامزد کرده‌اند، مجبور شدم خانه را ترک نموده و فرار کنم. اکنون به کمیسیون مراجعه کرده‌ام تا مرا حمایت نماید.“**

موصوفه به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده و تقاضای همکاری و حمایت نمود، وی افزود که نمی‌خواهد به چنین سرنوشت دوباره گرفتار شود و هراس دارد که نامزد وی با تهدید به خودش و اعضای فامیلش صدمه برساند. از اینکه دختر مذکور تحت تهدید شدید امنیتی قرار داشت و خانواده وی نیز او را کمک نمی‌کردند دفتر ساحوی کابل وی را جهت پیگیری قضیه‌اش و برای حفاظت به یکی از مراکز حمایتی زنان معرفی نمود، تا در مرکز حمایتی زنان قضیه فسخ نامزادی وی نیز پیگیری گردد.

از اینکه دختر مذکور نیاز به همکاری های حقوقی داشت، دفتر ساحوی کابل با همکاری مرکز حمایتی زنان برای وی وکیل مدافع استخدام نمودند. قضیه وی در مدت بیشتر از دو ماه به نفع قربانی فیصله گردید. بعداً با گفتگوهای متداوم با خانواده دختر، برادر بزرگ وی که متأهل است با تعهد و ارائه تضمین خواهر خود را تسلیم شد. با پیگیری که بعد از تسلیمی قضیه از سوی مرکز حمایتی صورت گرفته، اکنون موصوفه به یکی از کورس های سواد آموزی مشغول فراگیری سواد و علوم دینی می‌باشد.

<sup>۵</sup>. قانون منع خشونت علیه زن، ماده ۲۶

ج) ازدواجهای زیر سن: نامزادی و نکاح قبل از اكمال سن قانونی یکی از چالش‌های بزرگ و مصداقی از خشونت علیه زنان پنداشته می‌شود؛ برخی از خانواده‌ها نه تنها به ازدواج اجباری دختران بالغ، بلکه به ازدواج اجباری دختران زیر سن شان نیز اقدام می‌نمایند. این امر سبب فرار از منزل دختران زیر سن می‌شود. در حالیکه در قانون مدنی افغانستان ازدواج قبل از اكمال سن قانونی مجاز نبوده و ممنوع است. ماده ۷۰ قانون مدنی افغانستان در زمینه چنین صراحت دارد: « اهلیت ازدواج وقتی کامل می‌گردد که اناث سن شانزده سالگی و ذکور سن هژده سالگی را تکمیل کرده باشد.» و همچنان ماده ۷۱ این قانون مقرر داشته: « هرگاه دختر سن شانزده سالگی را تکمیل نکرده باشد نکاح وی تنها توسط پدر صحیح التصرف و یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته می‌تواند، عقد نکاح دختر کمتر از ۱۵ سال به هیچ وجه جواز ندارد.»<sup>۶</sup>

به همین ترتیب قانون منع خشونت علیه زن، نکاح دختران قبل از اكمال سن قانونی را مصداقی از خشونت دانسته و آنرا عمل مجرمانه دانسته و مقرر داشته است که: « هرگاه شخصی زنی را که سن قانونی را تکمیل نکرده باشد به عقد نکاح در آورد، حسب احوال به حبس متوسط که کمتر از دو سال نباشد محکوم و نکاح و نامزادی وی فسخ می‌گردد.»<sup>۷</sup> با آنکه ضمانت‌های قانونی کافی در این زمینه وجود دارد، اما برخی از خانواده‌ها اطفال زیر سن قانونی خود را وادار به ازدواج می‌کنند و این امر سبب می‌شود که قربانیان این وضعیت را تحمل نتوانسته و از خانه فرار نمایند.

در این قسمت یک قضیه به عنوان مثال ذکر می‌شود:

” دختر ۱۵ ساله بنام ... به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده و چنین شکایت می‌کند: « زمانیکه من ۱۳ سال داشتم بدون رضایتم مرا به شخصی که نسبتاً سن بزرگتر داشت به ازدواج دادند. اکنون من یک دختر دارم. در دو سال که من در خانه شوهرم بسر می‌برم همواره مورد خشونت قرار گرفته‌ام، مدتی شده که شوهر و خسرم مرا مورد تهمت و لت و کوب بیشتر قرار می‌دهند و اجازه دیدن اقاربم را نیز برایم نمی‌دهند. من این وضعیت را تحمل نتوانسته از خانه فرار نمودم، و می‌خواهم از شوهرم جدا شوم و هیچگاه نمی‌خواهم دو باره به آن خانه برگردم.“

کارمندان بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل، پس از ثبت و بررسی قضیه موصوفه، دریافت که وی می‌خواهد الی پذیرش خانواده، به خانه امن برود و سپس به خانه پدر خود برگردد. از اینکه وی در مورد آدرس کامل خانواده‌اش درست معلومات نداشت، جهت پیگیری قضیه به یکی از مراکز حمایوی زنان معرفی گردید.

در عین حال، قربانی خواهان تفریق به سبب ضرر نیز بود، بناً نیاز بود تا قضیه از طریق محکمه پیگیری گردد. دفتر ساحوی کابل به همکاری مراکز حمایوی زنان جهت پیش‌برد دعوی وی، برای او وکیل مدافع استخدام نمود. سرانجام دفتر ساحوی کابل به درخواست و رضایت شخص شاکی فامیل وی را به کمیسیون خواست و بعد از چندین گفتگو، پدر قربانی با ارائه تضمین به مرکز حمایوی دختر خود را تسلیم گرفته به خانه خود برد. قضیه وی تا اکنون در محکمه

۶. قانون مدنی افغانستان، ماده ۷۰ و ۷۱

۷. قانون منع خشونت علیه زن، ماده ۲۸

فامیلی تحت رسیدگی قرار دارد. وی همچنان توانست در مدت بیشتر از چهار ماه حکم تفریق به سبب ضرر را از محکمه بگیرد، اما موضوع نفقه وی تحت دوران محاکماتی قرار دارد.

د) **توهین و تحقیر:** رفتار اعضای فامیل بخصوص بزرگان یک خانواده، امری بسیار حساس و تأثیرگذار است. بعضی از حرکت‌ها و رفتار پدر یا مادر و گاهی خواهر و برادر، ناخواسته و ناآگاهانه، شخصیت دختران جوان را کوچک و ضعیف می‌کند. نوع دیگری از خشونت روانی و تحقیر افراد، اعمال تبعیض و نادیده گرفتن یک دختر جوان در خانواده است. در برخی از خانواده‌ها به صورت واضح میان فرزندان دختر و پسر خود تفاوت قایل می‌شوند و در برخی موارد میان دختران خانواده هم تفاوت قایل شده و براساس ظاهر آنان قضاوت و رفتار می‌کنند. توهین، تحقیر و نادیده انگاری افراد در خانواده به هر شکلی که باشد، نوعی خشونت و بی‌احترامی نسبت به شخصیت و کرامت انسانی دختران است و این بی‌احترامی به شکلی از اشکال عکس‌العمل منفی در مخاطب ایجاد می‌کند.

هرچند توهین و تحقیر از نگاه قوانین نافذ کشور حسب ماده ۵ قانون منع خشونت علیه زن جرم پنداشته شده و در ماده ۲۹ این قانون مقرر شده است که " شخصی که زن را دشنام دهد یا تحقیر و یا تخویف نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می‌گردد."<sup>۸</sup> اما هنوز هم در برخی از خانواده‌ها دختران با انواع مختلفی از رفتار تحقیر آمیز مواجه می‌باشند.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد حتی اگر فردی را در ذهن خود تحقیر کنیم و در درون، وی را کوچک بشماریم این برداشت ذهنی در رفتار ما با آن شخص تأثیر می‌گذارد و بالاخره آشکار می‌شود و سبب دل‌سردی افراد در خانواده‌ها می‌گردد. گاهی برای رهایی از این وضعیت دختران جوان از خانه فرار نموده و به یک آینده نامعلوم پناه می‌برند. شرح قضیه یکی از قربانیان قضایای فرار از منزل که به سبب توهین و تحقیر از خانه فرار نموده و به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده به عنوان مثال در این قسمت گزارش ذکر می‌شود:

" دختر ۱۷ ساله بنام ..... به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده و چنین اظهار داشته و شکایت نموده است: «از آوان طفولیت تا اکنون همواره مورد توهین و تحقیر خانواده قرار گرفته‌ام. همیشه برایم می‌گفتند که من دختر ایشان نیستم و مرا از سر کوچه پیدا کرده‌اند، همچنان همیشه بالایم شک می‌کردند و می‌گفتند تو باعث سرافکنندگی و ننگ خانواده هستی و کاش در خانه ما نمی‌بودی. سالها این تحقیرها اذیتم کرد و بالاخره احساس تعلقم را نسبت به خانواده از دست دادم. احساس تنهایی و ناامیدی می‌کردم. سرانجام از خانه فرار نمودم و تا زمانیکه وضعیت فامیل از این لحاظ بهبود نیابد و از توهین و تحقیر من دست نکشند هرگز نمی‌خواهم به خانه بروم، و از اینکه جای برای رفتن نداشتم به کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده‌ام تا مرا حمایت نماید.»"

<sup>۸</sup>. همان، ماده ۲۹

قربانی بنابر درخواست رسمی خودش، توسط دفتر ساحوی کابل به یکی از مراکز حمایتی زنان معرفی شد. همچنان کارمندان بخش حمایت زنان دفتر ساحوی کابل با فامیل وی تماس گرفتند و آنها را به دفتر ساحوی کابل دعوت نمودند. سه مرتبه جلسه میان خانواده دختر، مشاور روانی از مرکز حمایتی و قربانی در دفتر ساحوی کابل دایر شد که بعد از چندین نشست و گرفتن تعهد از فامیل قربانی، قربانی قبول کرد که دو باره به خانه برگردد. بعد از مدتی قربانی دوباره به خانواده خود ادغام شد. کارمند بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان، پس از تسلیمی چندین بار احوال قربانی را گرفته و فعلاً در وضعیت بهتری به سر می‌برد.

**چهارم) عرف و عنعنات ناپسند:** چنانکه تذکر رفت، فرار زنان و دختران از منزل دلایل متعدد دارد، اما یکی از چالش‌های عمده و دلایل اصلی این مشکلات عرف و عنعنات ناپسند در افغانستان می‌باشد؛ بد دادن، ازدواج‌های بدل، گهواره خویشی از نمونه‌های عرف و عنعنات ناپسند در افغانستان است که سالانه بیشترین قربانی را از زنان این کشور می‌گیرد. در چنین ازدواج‌ها هیچ‌گاه رضایت طرفین مد نظر گرفته نمی‌شود. این رفتارها خود یکنوع خشونت علیه زنان شمرده می‌شود. اما علی‌رغم مخالف صریح آموزه‌های دینی و احکام قوانین نافذ کشور با این گونه رسم و رواج‌ها، برخی از خانواده‌ها هنوز پا بند آن هستند و با تن دادن به این عرف‌ها، زنان و دختران عضو فامیل خود را قربانی می‌کنند.

ماده ۶۹ قانون مدنی افغانستان صراحت دارد که در عقد ازدواج بدل، زن، بدل زن دیگری قرار نمی‌گیرد.<sup>۹</sup> از این ماده قانون می‌توان استنباط نمود که ازدواج بدل به آن صورتیکه در جامعه اتفاق می‌افتد، در تضاد با احکام قانون قرار داشته و هیچ‌یک در بدل عقد دیگری معامله نمی‌شود، هرچند که مستقل هم باشد. حکم سایر عرف‌های ناپسند متذکره در قوانین مختلف از جمله قانون منع خشونت علیه زنان روشن است که لازم به یاد آوری دوباره آن نمی‌باشد.<sup>۱۰</sup>

در این قسمت گزارش مثالی از قضایای فرار منزل که عامل آن عرف و عنعنات ناپسند می‌باشد، ذکر می‌گردد:

**”دختر ۲۱ ساله بنام ..... به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده چنین شکایت نمود: « زمانی که ۷ سال داشتم، فامیل مرا بنام پسر مامایم نموده بودند. و باهم توافق کرده بودند که وقتی ما کلان شدیم با هم ازدواج کنیم؛ اما وقتی من جوان شدم متوجه شدم که پسر مامایم مشکل عصبی دارد. بنام فامیلم درخواست کردم که مرا وادار به عروسی با آن پسر نکنند، اما فامیلم قبول نکرد. من برای اینکه نمی‌خواهم با یک شخص دیوانه عروسی کنم از خانه فرار نمودم و به کمیسیون مستقل حقوق بشر پناه آوردم تا مرا حمایت کند.“**

کارمندان دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با همکاری مشاورین مرکز حمایتی طی چندین نشست با فامیل وی، فامیل دختر مذکور را قناعت داد که تصمیم خانواده‌اش خلاف موازین قانونی می‌باشد. سرانجام پدر دختر تعهد سپرد که بدون رضایت دخترش او را وادار به ازدواج نکند. بعداً قضیه در ریاست محترم حقوق وزارت

<sup>۹</sup> قانون مدنی افغانستان، ماده ۶۹

<sup>۱۰</sup> نامزادی و نکاح قبل از اكمال سن قانونی و بد دادن، براساس حکم مواد ۵، ۲۵ و ۲۸ قانون منع خشونت علیه زن، مصداقی از خشونت علیه زنان و عمل مجرمانه بوده و مرتکبان آن مستوجب تعقیب عدلی و مجازات می‌باشند.



عدلیه ثبت شده و جهت پیگیری پیشتر برای متضرر یک وکیل مدافع استخدام شد. از اینکه قضیه در حد فسخ نامزادی بوده و شخص مقابل دچار مشکلات روانی بود، قضیه متذکره از سوی ریاست حقوق حل گردید

**پنجم) فریب دادن قربانیان:** یکی از عوامل عمده و مهم در قضایای فرار از منزل دختران، فریب دادن آنها توسط اشخاص متفاوت، در حالات متفاوت می باشد. براساس بررسی قضایا و گفته های دختران قربانی، یک تعداد مردان استفاده جو و فریبکار با سؤاستفاده از فقر، نیازمندی ها و مجبوریت های دختران و زنان به شیوه های خیلی زیرکانه دختران جوان را شکار دام خود نموده و از ضعف آنها سوء استفاده می نمایند. اکثراً این اشخاص با بهانه ها و طرح وعده های دروغین اما جذاب، نظیر وعده به ازدواج، زمینه سازی برای ادامه تحصیل، فراهم آوری فرصت های کاری، فراهم آوری امکانات خوب زندگی و سفر به خارج از کشور وغیره، دختران جوان را راضی به ترک منزل و می کنند و زمانی که دختران معصوم با فریب و نیرنگ چنین اشخاص منزل خویش را ترک نموده و فرار کردند و به این اشخاص پناه بردند، مورد سؤاستفاده قرار می گیرند. آن زمان تازه متوجه می شوند که همه این سخنان یک فریبی بیش نبوده است، و در آن زمان به اشتباه خود پی می برند. اما زمانی که قربانیان متوجه اشتباه خویش و فریب این گونه اشخاص می گردند، دیگر خیلی دیر شده است. آن زمان قربانیان فریب خورده نه راه برگشت دو باره به خانه خود دارند، نه در جامعه مصونیت دارند و نه شخص فریب دهنده در کنارش می باشد. سرنوشت اینگونه قربانیان به شدت تاریک و غم انگیز است.

آنگونه که نمودار فوق نشان داده است، در سال مالی ۱۳۹۷ به تعداد ۱۲ نفر از قربانیان قضایای فرار از منزل به دلیل فریب مردانی که قربانیان به آنها اعتماد نموده، خانه و فامیل خود را ترک نموده و دست به فرار از منزل زده اند.

## **پیامد های فرار از منزل و سرنوشت قربانیان**

طوری که در متن گزارش آمده است، طی سال مالی ۱۳۹۷ به تعداد ۱۱۲ مورد قضیه فرار از منزل در دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت شده و ناشی از عوامل متعدد نظیر عدم رعایت حقوق بشری زنان در خانواده، اعمال خشونت خانوادگی، عرف نا پسند حاکم در جامعه، فریب خوردن قربانیان و غیره بوده است.

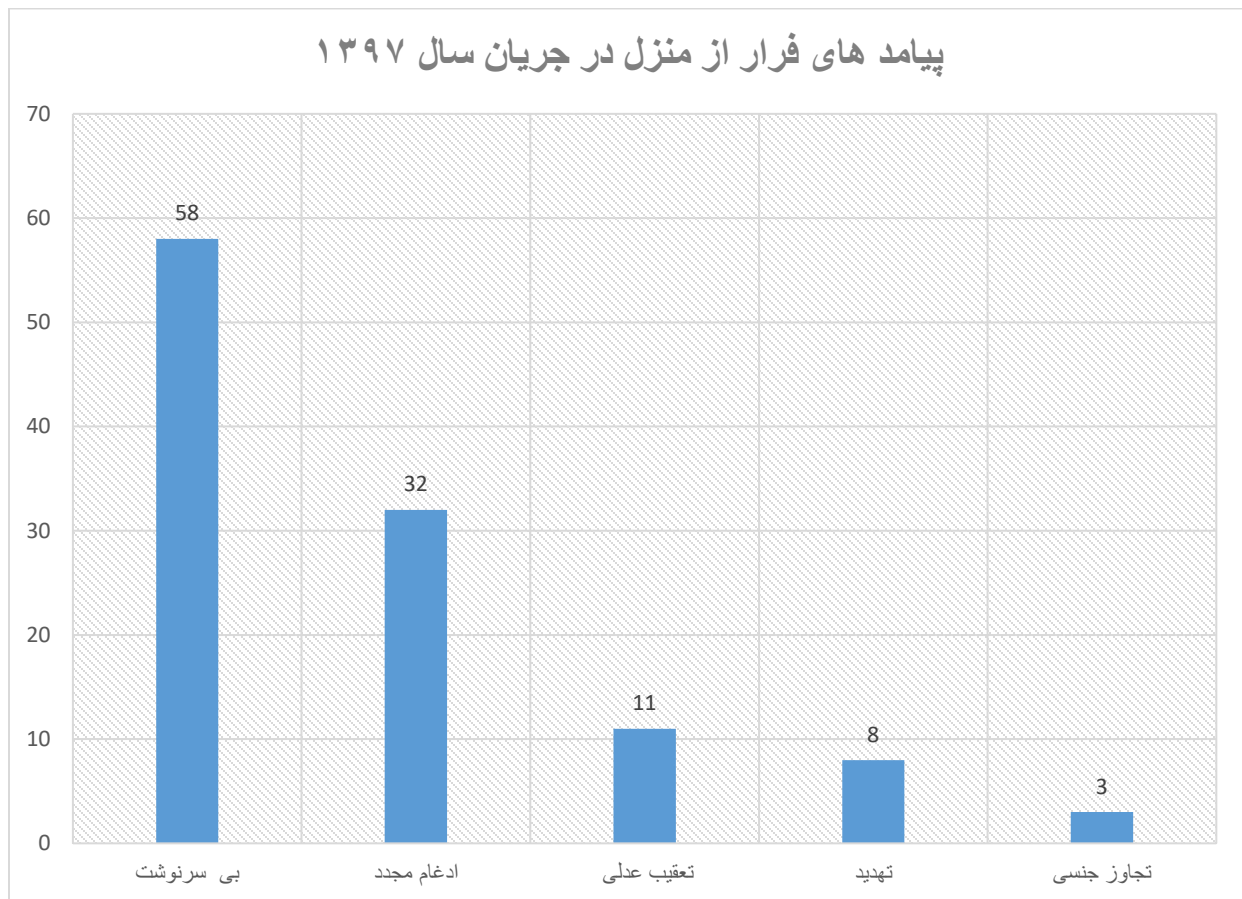
قربانیان فرار از منزل با هدف رهایی از خشونت و نابسامانی های موجود در خانواده ها، خانواده خود را ترک کرده راه فرار از منزل را در پیش گرفته اند، بررسی های انجام شده نشان می دهد که بسیاری از قربانیان، با فرار از منزل نه تنها از خشونت رهایی نیافته بلکه مصونیت و امنیت فیزیکی و روانی خود را نیز به خطر مواجه کرده و برخی از قربانیان به صورت مضاعف قربانی شده اند.

آنگونه که در ادامه این گزارش آمده است، قربانیان فرار از منزل اکثراً دوباره، بعد از فرار، دچار سرنوشت مشقت بار گردیده اند. شماری از قربانیان دوباره به خانواده های خود جذب و ادغام شده، اما تعداد کثیری از آنها بدون اینکه پیشبین آینده باشند، منتظر سرنوشت خود هستند. یک تعداد از این قربانیان نظر به خواست خود آنها به مراکز حمایتی معرفی

گردیده و تعداد دیگر از این قضایا به سرنوشت نا معلوم گرفتار شده‌اند، تعدادی از قربانیان در دام مرتکبان جرایم خطرناک مانند قاچاق انسان و فحشاء افتاده‌اند و شماری هم در معرض انواع مختلف تهدید و تخویف قرار گرفته‌اند.

در این بخش گزارش، پیامدهای فرار از منزل مورد بررسی قرار گرفته‌است؛ آنگونه که در نمودار زیر نشان داده شده‌است، ادغام مجدد به خانواده، بی سرنوشتی دوامدار، تعقیب عدلی قربانیان به دلیل مبادرت به ارتکاب جرم زنا، تهدید و تجاوز جنسی از عواقب و پیامدهای است که قربانیان قضایای ثبت شده فرار از منزل با آن مواجه شده‌اند.

در نمودار زیر پیامدهای فرار از منزل نشان داده شده‌است:



همانطوریکه در نمودار فوق نشان داده شده‌است، از ۱۱۲ مورد قضیه فرار از منزل که در دفتر ساحوی کابل ثبت شده‌است، قربانیان ۳۲ مورد آن پس از تلاش‌ها و حمایت‌های دفتر ساحوی کابل، دوباره به خانواده‌های خود برگشته و به فامیل‌های خود ادغام شده‌اند. این رقم ۲۸,۵۷ فیصد قربانیان را تشکیل می‌دهد، ۷۱ فیصد باقی مانده قربانیان دوباره به خانواده‌های خود برگشته و با در حالت بی سرنوشتی به سر می‌برند.

قربانیان قضایایی دو باره به خانواده‌های خود مدغم شده‌اند که اکثراً در نتیجه منازعات خانوادگی دست به فرار از منزل زده و پس از پیگیری دفتر ساحوی کابل و مسئولین خانه‌های امن مشکل خانوادگی آنان حل شده و دوباره به صورت

داوطلبانه به خانه خود برگشته‌اند. این رقم در سال گذشته ۵۵ تن بوده‌است. یعنی تعداد قربانیان مدغم شده به خانواده‌های خود در مقایسه با سال گذشته کاهش یافته‌است.

دلیل عدم بازگشت قربانیان به خانواده، از یک طرف عدم پذیرش خانواده‌هاست و از جانب عدم اعتماد قربانی نسبت به خانواده‌است. بعضاً قربانیان چنان تجربه‌های تلخ از خانواده خود دارند که هرگز حاضر به بازگشت نمی‌شوند. هروضعیتی را تحمل می‌کنند اما حاضر نمی‌شوند دوباره به خانواده‌های خود برگردند. از جانب دیگر، برخی از خانواده‌ها به دلیل دیدگاه‌های منفی که نسبت به قربانی دارند، حاضر نمی‌شوند عضو خانواده خود را دوباره بپذیرند. همانطوری که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، ۵۸ تن از قربانیان تا اکنون در مراکز حمایتی زنان در حالت بی‌سرنوشتی بسر می‌برند. تعداد ۸ مورد قربانی‌ها به تهدید مواجه هستند که این آمار در سال قبل به ۱۰ مورد می‌رسید.

به تعداد ۱۱ نفر از اشخاصیکه فرار از منزل نموده به اتهام ارتکاب جرم زنا تحت تعقیب عدلی قرار گرفته که این رقم در مقایسه با سال گذشته ۸٫۳ فیصد کاهش یافته‌است. نهادهای مربوطه ضمن همکاری و با درک وضعیت خاص قربانیان فرار از منزل، در سال مالی ۱۳۹۷ تعداد کمتری را مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار داده‌اند. اشخاصی مورد تعقیب عدلی قرار گرفته‌اند که با فرد مورد نظر خود از خانه فرار نموده و سپس متهم شده‌اند که قبل از عقد نکاح، باهم رابطه جنسی نامشروع داشته‌اند، بنابراین، به عنوان متهم به ارتکاب جرم زنا تحت تعقیب عدلی و قضایی قرار گرفته‌اند.

در این قسمت گزارش، به ذکر مثالی پرداخته می‌شود که قربانیان بعد از فرار از منزل به اتهام جرم زنا مورد تعقیب عدلی قرار گرفته‌است:

**”مسمات .... باشنده یکی از ولایات به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده و چنین اظهار می‌دارد: ” من با شخصی بنام.... دوست بودم و ما می‌خواستیم با هم ازدواج نماییم. اما فامیلم به خواستگاری کسی که من می‌خواستم با وی ازدواج نمایم، مخالفت نمود. هرچه اصرار کردم خانواده موافقه نکردند و می‌خواستند مرا به عقد نکاح شخص دیگر در بیاورند. از آنجا که ما سن قانونی برای ازدواج را تکمیل نموده بودیم و مانع شرعی و قانونی برای ازدواج مان وجود نداشت، تصمیم به فرار گرفتیم و راهی ولایت دیگری شدیم. در مسیر راه با پوسته امنیتی مواجه شدیم، آنها مرا به خانه امن منتقل کردند. بعد از سپری نمودن چند شبانه روز در یکی از خانه‌های امن، متهم به جرم زنا شدم. تا اینکه محکمه مرا به مدت یک سال و هشت ماه محکوم به مجازات حبس نمود. حالا من پس از مدتی حبس، با تطبیق فرامین عفو از حبس رها شده‌ام، خانواده‌ام مرا دوباره نمی‌پذیرند، جایی برای زندگی ندارم، از کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌خواهم که مرا مورد حمایت قرار بدهد.“**

کارمندان دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شخص مذکور را پس از رهایی از حبس، به یکی از مراکز حمایتی زنان در شهر کابل معرفی نمود تا الی حل مشکل بی‌سرنوشتی، وی در آنجا زندگی نماید. وی بعد از

گذشت چند مدت با همکاری مشاورین مرکز حمایتی زنان توانست با شخص مورد نظر خود ازدواج نموده و سند ازدواج خود را به صورت رسمی در محکمه مربوطه ثبت نماید.

همانطوریکه در نمودار فوق نشان داده شده است، ۳ نفر از قربانیان قضایای فرار از منزل، پس از ترک منزل، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. این رقم در سال مالی ۱۳۹۶ به تعداد ۶ نفر بوده و در مقایسه با سال گذشته قربانیان تجاوز جنسی ناشی از فرار از منزل، ۵۰ فیصد کاهش یافته است. این واقعیت تلخ نشان می دهد که زنان و دختران جوان در سطح جامعه با انواع مختلفی از آسیب ها، خطر ها و تهدیدها مواجه می باشند. بنابراین، خانواده ها نباید با اعمال خشونت و عدم رعایت حقوق بشری زنان، زمینه فرار قربانیان و قربانی شدن مضاعف آنها را فراهم نمایند.

در این بخش گزارش، شرح قضیه ای به عنوان مثال ذکر می شود که قربانی آن پس از ترک منزل، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است:

” مسلمات..... بنت ..... ۱۹ ساله، مسکونه یکی از ولایات تحت پوشش دفتر ساحوی کابل، حین نظارت کارمندان کمیسیون از یکی از مراکز حمایتی زنان چنین اظهار داشته است: «خانواده ام می خواست مرا به عقد نکاح شخص مورد نظر خود شان در بیاورند. در حالیکه من نمی خواستم با وی ازدواج کنم و شخصی دیگری را دوست داشتم و باهم صحبت کرده بودیم که به زودی ازدواج نمایم. بالاخره من از خانه فرار کردم، در اولین دیدار من با شخصی که دوست داشتم، او بدون رضایت و با اجبار بر من تجاوز کرد. او مرا فریب داد و نسبت به اعتماد من خیانت کرد. من کاملاً ناامید شدم و دوباره به خانه برگشتم. در جریان فرار در مسیر راه افراد مسلح مرا به زور به موتر خود بالا کردند و به جای نامعلوم انتقال دادند. سپس دو نفره بر من تجاوز و لواط کردند. بعد مرا در داخل شهر رها نمودند. من فکر می کردم که اگر به خانه بروم حتماً مرا می کشند، بنابراین به خانه نرفتم و به فرار خود ادامه دادم. سرانجام توسط پولیس محل مربوطه دستگیر شده و به مرکز حمایتی زنان انتقال داده شدم.»

قربانی تا اکنون در یکی از خانه های امن زنان به سر می برد و تحت مراقبت روانی قرار دارد. به دلیل اینکه به شدت می ترسد و نگران جان خود است، حاضر نشده تا به مراجع عدلی و قضایی در مورد ظلمی که در حقش شده است، شکایت کند. او به کارمندان دفتر ساحوی کابل اجازه نداده است که قضیه تجاوزی را که بر علیه وی ارتکاب یافته، پیگیری نموده با نهادهای مربوطه شریک بسازد.

### قربانیان مدغم شده به خانواده

همانطوریکه تذکر داده شد، به تعداد ۳۲ تن از قربانیان قضایای فرار از منزل در نتیجه تلاش های بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل دوباره به خانواده های خود مدغم شده و از بی سرنوشتی رهایی یافته اند. با آنکه این رقم در مقایسه با سال گذشته کاهش یافته اما بازهم یک دستاورد خوب در راستایی رسیدگی به قضایای فرار از منزل است. در جدول زیر اهداف قربانیان از ترک منزل، عاملان واداشتن قربانیان به فرار از منزل، اشخاصی که سلامت و حقوق قربانیان را پس از بازگشت به فامیل تضمین نموده و تعداد قربانیان ادغام شده به صورت خلاصه نشان داده شده است.

چنانکه در جدول ملاحظه می‌شود، عاملان تمام قضایای فرار از منزل مندرج در این جدول، اعضای فامیل قربانیان و اکثراً شوهران متضررین بوده و اهداف بیشترین مورد قضایا مطالبه تفریق بوده‌است. این دو نکته باهم رابطه مستقیم دارد. قربانیان در نتیجه خشونت شوهران وادار به فرار از منزل شده و برای رهایی از خشونت‌های خانوادگی مطالبه تفریق نموده و خواهان جدا شدن از شوهران بوده‌اند.

قربانیان مدغم شده به خانواده‌ها				
ردیف	اهداف فرار از منزل	عامل قضیه	تضمین کننده ادغام مجدد	تعداد قربانیان
۱	رهایی از نامزادی اجباری	فامیل	کاکا، برادر	۵
۲	رهای از خشونت خانوادگی	شوهر	پدر، برادر	۷
۳	مطالبه تفریق	شوهر	ماما، برادر، کاکا	۸
۴	اختلال دماغی	۰	پدر	۱
۵	ممانعت از انتخاب همسر	فامیل	برادر	۶
۶	ممانعت از دید و بازدید اقارب	شوهر	برادر شوهر	۱
۷	رهایی از بی‌پناهی و مشکلات اقتصادی	شوهر	مادر، برادر	۱
۸	رهایی از تهدید	فامیل	مادر	۱
۹	ممانعت از انتخاب شغل	فامیل	پدر	۲
مجموعه				۳۲ نفر

قربانیانی که در جدول بالا تذکر داده شده بعد از سپری نمودن یک مدت در مراکز حمایتی زنان دو باره با تلاش‌ها و هماهنگی‌های کارمندان دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و مشاورین از مراکز حمایتی زنان به خانواده‌های خود ملحق شده‌اند. این قضایا صرفاً منازعات خانوادگی بوده و جرایم خشونت علیه زنان در آن ارتکاب نیافته‌است. قضایای جزایی مطابق احکام قانون به مراجع مربوطه ارجاع شده و کمیسیون به میانجیگری در آن نپرداخته‌است. البته این ارقام تنها مربوط به قضایای است که از طریق مراکز حمایتی زنان و دفتر ساحوی کابل رسیدگی شده‌است، آمار قضایای که از طریق سایر ارگان‌ها رسیدگی شده و قربانیان به خانواده‌های شان مدغم شده، در گزارش حاضر شامل نمی‌باشد.

## دیدگاه افراد در مورد قضایای فرار از منزل

با توجه به وجود عرف، عنعنات و دیدگاه‌های منفی و ناپسند در جامعه، از پاره‌ای از افراد، فرار از منزل یک عمل نامطلوب و غیر قابل تحمل محسوب می‌گردد. برخی‌ها بدون در نظر داشت عوامل و دلایلی که منجر به فرار از منزل شده، قربانیان فرار از منزل را افراد غیر قابل اعتماد و مطیع حوس‌های نفسانی می‌دانند. با آنکه فرار از منزل طبق قوانین نافذ کشور جرم پنداشته نشده اما قربانیان فرار از منزل هنوز در جامعه مجرم تلقی می‌شوند، با توجه به نگاه و ذهنیت منفی جامعه نسبت به پدیده فرار از منزل، قربانیان آن با عواقب بسیار ناگوار و غیر قابل تحمل مواجه می‌شوند و آنگونه که قبلاً تشریح گردید، نه تنها از جانب جامعه بلکه از جانب خانواده‌های خود هم دوباره پذیرفته نمی‌شوند.

برای درک ریشه‌های فرهنگی و ذهنی مشکل فرار از منزل و عواقب زیانبار آن، دفتر ساحوی کابل با تعدادی از مراجعین خود مصاحبه نموده و در مورد فرار از منزل از آنها نظر خواهی نموده است، البته این نظر خواهی در حدی نبوده که بتواند معلومات مورد نیاز یک تحقیق جداگانه را تأمین کند و نمایندگی از نگاه کلی جامعه نماید. در این قسمت گزارش، نمونه‌های از نظریات این اشخاص را به عنوان مثال ذکر می‌نماییم:

**برکت از ولایت کابل:** «هرچند فرار از منزل به ذات خود مشکل ندارد اما دید مردم و جامعه در مقابل قضایای فرار از منزل بسیار منفی است و هنوز مردم این پدیده را قبول ندارند.»

**سانیا از ولایت پروان:** «با وجودیکه فرار از منزل به اثر یک خشونت صورت می‌گیرد، اما باز هم این پدیده بسیار به نام بد یاد می‌شود و قربانی فرار از منزل دو باره به خانواده برگشته نمی‌تواند.»

**جمشید از ولایت پینجشیر:** «در جای که من زندگی می‌کنم فرار از منزل جرم پنداشته می‌شود و با قربانی فرار از منزل به مثابه یک مجرم رفتار می‌شود و برای آن شخص نه در فامیل و نه در جامعه راه برگشت موجود نیست.»

**مظهره از ولایت کاپیسا:** «امیدوار به روزی استیم که هیچ دختری از خانه و مسکن پر مهر خود مجبور به فرار نشود، و نیاز است که از قربانیان حمایت صورت بگیرد هم از جانب خانواده و هم از جانب دولت. باید از این قربانیان بهتر از قبل حمایت شود چون قربانی از نگاه روانی صدمه دیده است.»

**شاه ولی از ولایت غزنی:** «فرار از منزل جرم نبوده و یک پدیده اجتماعی است که جهت‌رهایی از یک نوع خشونت یک شخص مجبور به انجام او می‌گردد. پس نیاز است که قربانیان مورد حمایت قرار گیرد، اما از اینکه این عمل خلاف میل جامعه افغانستان است مورد حمایت تعداد کثیر قرار نمی‌گیرند.»

**میرزا خان از ولایت لوگر:** «فرار از منزل خلاف عرف و عنعنات و فرهنگ افغانی ما است و مرتکبین این عمل در خانه و جامعه جای ندارد.»

**تانیا از ولایت میدان وردک:** «دختران نباید فریب مردم را بخورند و برای رسیدن به آسایش نباید از خانه فرار نمایند.»

## بررسی اجمالی وضعیت حقوق بشر در مراکز حمایتی زنان

مراکز حمایتی زنان یا خانه‌های امن زنان، مکانیزم مؤثر برای حمایت از قربانیان فرار از منزل می‌باشد؛ بر اساس فقره ۳ ماده ۸ قانون منع خشونت علیه زنان مراکز حمایتی زنان (خانه امن) یک نهاد حمایت کننده است که به صورت خاص وزارت امور زنان، زمینه‌های تأسیس آنرا را فراهم می‌نماید.<sup>۱۱</sup> همچنان در مصوبه شماره ۴۱ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۰ شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان چنین فیصله گردیده است که مراکز حمایتی در مرکز و ولایات کشور در تشکیل وزارت امور زنان باید ایجاد گردد.

مطابق احکام مقررہ مراکز حمایتی زنان، مراکز حمایتی به مراکز حمایتی دولتی و مراکز حمایتی غیر دولتی دسته بندی می‌شود؛ مراکز حمایتی دولتی در چوکات وزارت امور زنان ایجاد می‌گردد و وزارت مکلف به ایجاد این مراکز در مرکز ولایات می‌باشد و مراکز حمایتی غیردولتی تحت شرایط مقرر در مقررہ متذکره، توسط مؤسسات غیردولتی می‌تواند ایجاد گردد.<sup>۱۱</sup>



کورس صنایع دستی در یکی از مراکز حمایتی

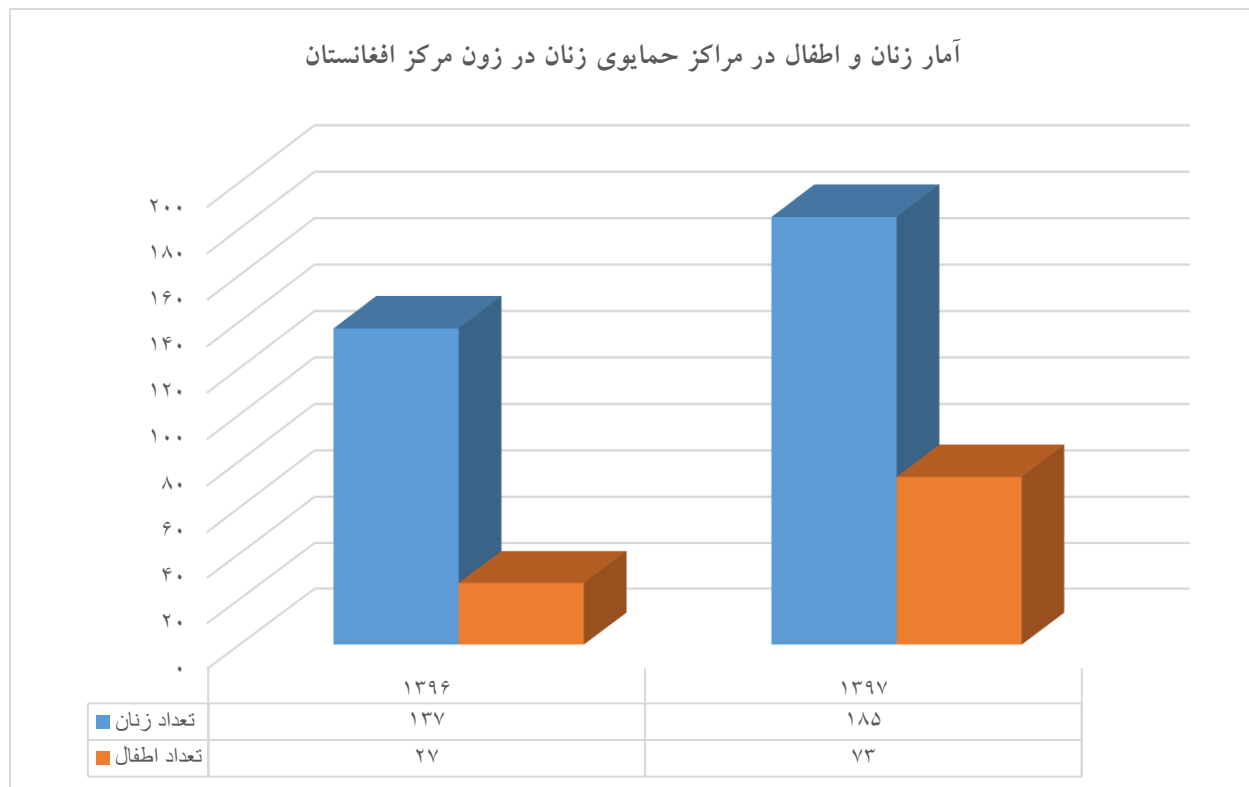
<sup>۱۱</sup>. قانون منع خشونت علیه زن، ماده ۸

در ولایات تحت پوشش دفتر ساحوی کابل، به تعداد ۸ مرکز حمایوی زنان و اطفال ایجاد گردیده، که ۶ مرکز حمایوی در کابل و ۲ مرکز حمایوی دیگر در ولایت پروان و کاپیسا فعالیت می‌نمایند. این مراکز غیر دولتی بوده و توسط مؤسسات غیر دولتی ایجاد گردیده است. در ولایات میدان وردک، لوگر، پنجشیر و غزنی هیچ مرکز حمایوی موجود نیست، لذا قضایای این ولایات در کابل پیگیری شده و از طریق دفتر ساحوی کابل به مراکز حمایوی زنان راجع می‌گردد.

بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل به صورت ماهانه از مراکز حمایوی زنان در ساحات تحت پوشش نظارت می‌نماید. در جریان سال مالی ۱۳۹۷، توسط این بخش بیشتر از ۲۴ بار از مراکز حمایوی نظارت صورت گرفته است. بر اساس آخرین آمار به تعداد ۱۸۵ زن همراه با ۷۳ طفل خود در این مراکز بسر می‌برند. این آمار نشان می‌دهد که تعداد زنانی که در خانه‌های امن به سر می‌برند در مقایسه با سال مالی گذشته ۲۵,۹ درصد و تعداد اطفالی که همراه با مادران خود در این مراکز نگهداری می‌شوند، ۶۳ درصد افزایش یافته است.

افزایش تعداد زنان در مراکز حمایوی زنان، ارتباط مستقیم با افزایش تعداد قضایای فرار از منزل و افزایش موارد خشونت علیه زنان در خانواده‌ها دارد. به هر میزانیکه خشونت در خانواده‌ها افزایش یابد، زنان بیشتری دست به فرار از منزل زده و به مراکز حمایوی زنان مراجعه می‌نمایند.

در نمودار زیر افزایش تعداد زنان و اطفال آنها در مراکز حمایوی زنان نشان داده شده است:





## بهبود خدمات در مراکز حمایتی زنان

ارزیابی‌های که کارمندان بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل در طول سال از مراکز حمایتی زنان در ساحات تحت پوشش دفتر ساحوی کابل داشته‌اند، نشان می‌دهد که متضررین در این مراکز بطور کل تحت حمایت قرار می‌گیرند. مراکز حمایتی برای زنان ساکن در این مراکز در پهلوی اعاشه و اباته، خدمات حقوقی و مشوره‌های حقوقی و روان درمانی نیز ارائه می‌نمایند.

جهت توسعه و توانمند سازی زنان در این مراکز کورس های قرآنکریم، صنف‌های سواد آموزی، صنف‌های خیاطی، مسلک؛ موره بافی و حرفه نیز فعالیت دارد. همچنان در تمام این مراکز، یک کلینیک با یک داکتر معالج وجود دارد و کمک های اولیه صحی را برای آنان عرضه می‌نماید.

بعضی از این مراکز برای بلند بردن سطح ظرفیت دختران علاوه بر خدمات ذکر شده، خدماتی چون شامل ساختن دختران در مکاتب را نیز فراهم می‌نمایند که از این طریق تعدادی از دختران در کنار یادگیری حرفه می‌توانند سند مکتب را نیز بدست بیاورند.



نمای از کورس آموزشی در یکی از مراکز حمایتی زنان



سالون طعام خوری در یکی از مراکز حمایتی زنان

### مشکلات موجود در مراکز حمایتی زنان

یکی از مشکلات مراکز حمایتی زنان، دخالت زورمندان محلی در قضایای زنانی است که در این مراکز به سر می‌برند؛ در بسیاری موارد متنفذین تلاش می‌کنند زنانی که در خانه‌های امن پناه برده‌اند، بدون تضمین محکم و قابل اعتبار به خانه‌های شان برگردانند و خود آنها اغلب مسئولیت نمی‌گیرند. این دخالت باعث می‌شود که مراکز حمایتی زنان گاه‌گاهی مورد تهدید قرار گیرد.

مشکل دوم، در تسلیمی دهی قضایا می‌باشد. متأسفانه در مورد تسلیم‌دهی دوباره قربانیان به خانواده‌ها و اقارب شان، حکمی روشن و واضح در مقررہ مراکز حمایتی زنان وجود ندارد. این امر باعث شده‌است که اوگلا رویه واحد و یکسان در تمام مراکز حمایتی وجود نداشته باشد و دواماً ضمانت کافی برای تضمین جان و حیات قربانی از جانب اقارب وی داده نشود. و بدتر از همه اینکه وقتی قربانی به خانواده‌ها تسلیم داده شد، دو باره پیدا کردن آن خانواده‌ها بسیار مشکل است. بنابر این، باید کمیته خاص تسلیم‌دهی ایجاد شود که در آن از نهادهای عدلی و قضایی، دخیل باشد و تضمین معتبر و محکمه پسند از شخص تسلیم‌گیرنده اخذ گردد. بعد از آن مکانیزم واضح و قابل اطمینان برای پیگیری و نظارت بعد از تسلیمی قضیه نیز طراحی شود.

یکی از مشکلات دیگری که در خانه‌های امن وجود دارد این است که برخی از قربانیان که تذکره تابعیت خود را ندارند و حین ترک منزل فراموش می‌کنند و یا خانواده آنها اسناد وی را پنهان می‌نمایند، دعوی وی از جانب محاکم و نهادهای عدلی و قضایی رسمیت نیافته و تحریر نمی‌شود. این امر باعث می‌شود که حل و فصل مشکل حقوقی اینگونه اشخاص زمان بسیار طولانی را در بر بگیرد و زمینه‌های تداوم بی‌سرنوشتی آنها را فراهم سازد.

مشکل دیگر در برخی از خانه‌های امن ضعیف بودن تدابیر امنیتی در مورد تأمین امنیت این مراکز و کارمندان آن می‌باشد. کارمندان برخی از این مراکز به همکاران کمیسیون گفته‌اند که احساس امنیت نمی‌کنند. با آنکه آدرس مراکز حمایتی به هیچ کسی داده نمی‌شود اما در برخی از ولایات تحت پوشش زورمندان محلی کارمندان و مراکز حمایتی زنان را تهدید کرده‌اند.

### **رسیدگی مؤثر برای قضایای فرار از منزل**

دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان براساس صلاحیت‌ها و وظایف قانونی خویش، تمام قضایای فرار از منزل را که به بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان مراجعه نموده‌اند، به صورت مؤثر مورد رسیدگی قرار داده است. در قضایای که جنبه جزایی نداشته و موضوع فرار از منزل صرفاً ناشی از منازعات غیر جرمی و خانوادگی بوده است، کارمندان دفتر ساحوی کابل تلاش کرده تا در قدم نخست با استفاده از روش میانجیگری راه حلی جستجو نماید و مواضع طرفین را از طریق گفتگو با دو طرف نزدیک تر نموده و زمینه‌های حل اختلافات را توسط خود طرفین فراهم نماید. در صورت عدم حل و فصل فوری قضیه، نظر به درخواست و رضایت کامل قربانی، آنها به مراکز حمایتی (خانه امن) معرفی شده تا با گذر زمان مواضع طرف‌ها نزدیکتر شده و قضیه حل گردد. اما تعدادی از قضایای که جنبه جزایی داشته و قربانی خواهان اقامت در خانه‌های امن نیز بوده، قضیه به نهادهای عدلی و قضایی مربوطه راجع گردیده و قربانی نیز جهت حفاظت به خانه امن معرفی شده است. آنگونه که در ابتدای گزارش تذکر رفت، از مجموع ۸۱ نفری که مستقیماً به دفتر ساحوی کابل مراجعه نموده، ۴۳ مورد آن به مراکز حمایتی راجع گردیده، و با تلاش کارمندان بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل و مشاورین حقوقی و وکلای مدافع مراکز حمایتی قضایای آنها در ارگان‌های مربوطه مورد رسیدگی قرار گرفته است.

همچنان در جریان سال ۱۳۹۷ به تعداد ۳۲ تن از قربانیان قضایای فرار از منزل از طریق مشوره و پیگیری دوباره به خانواده‌های خود مدغم شده‌اند. قربانیان ۵ مورد از قضایا توانستند از شوهران شان تفریق بگیرند. اینگونه قضایا از ابتدا تا انتهای آن از جانب بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل مورد حمایت و رسیدگی قرار می‌گیرد.

در روند بازگشت و ادغام مجدد قربانیان به خانواده‌های خود چندین مرحله توسط همکاران دفتر ساحوی کابل در نظر گرفته شده است و همواره رعایت می‌شود. بازگشت دوباره قربانیان به خانواده‌های شان اکثراً از طریق میانجیگری بین طرفین انجام می‌شود، قضایای مشمول شیوه میانجیگری می‌شوند که جنبه جزایی و جرمی نداشته و صرفاً یک منازعه کوچک خانوادگی است. در این گونه قضایا، در مرحله اول، شکایت قربانی در بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان ثبت

می‌گردد، در مرحله دوم، در صورت رضایت و تقاضای قربانی و آسیب‌پذیری وی، شاکی به یکی از مراکز حمایتی زنان معرفی می‌شود. در مرحله سوم، قضیه قربانی به صورت همه‌جانبه مستندسازی شده و با طرف مقابل هم تماس گرفته شده و اظهارات آنان گرفته می‌شود. در مرحله چهارم، تلاش صورت می‌گیرد تا میان هردو طرف زمینه‌های گفتگو و تفاهم فراهم شده و تسهیل گردد. در روزهای اول پروسه میانجیگری زیاد اثر بخش نیستند اما با گذر زمان زمینه‌های حل و فصل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز و از طریق میانجیگری بیشتر فراهم می‌شود.

در این قسمت گزارش مثالی از قضایای حل شده و قربانی مدغم شده به خانواده اش، ذکر می‌گردد:

**”مسمات...، با شنیده یکی از ولایات تحت پوشش دفتر ساحوی کابل از منزل فرار نموده و حین مراجعه به این دفتر چنین اظهار داشته است: «مدت بیشتر از ۴ سال قبل با شخصی بنام ..... ازدواج نمودم و در این مدت مورد خشونت‌های فیزیکی، لفظی و روانی قرار می‌گرفتم، بالاخره مجبور شدم خانه شوهرم را ترک نموده و به خانه پدرم پناه ببرم. وقتی شوهرم خبر شد که من خانه اش را ترک گفته‌ام و به خانه پدرم آمدم؛ تلاش نمود که مرا از بین ببرد به همین سبب به خانه پدرم آمدم و بالاخره حمله کرد؛ اما توسط مردم دستگیر و به حوزه مربوطه تسلیم داده شد، بعداً از اینکه من تحت تهدید بودم به دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر مراجعه نمودم.“**

کارمندان بخش زنان قضیه را مستندسازی نموده و به خواست خود شاکی به یکی از مراکز حمایتی معرفی گردید. به دلیل اینکه قضیه بعد جزایی و حقوقی داشت، برای وی وکیل مدافع استخدام گردید و دعوای مطالبه تفریق وی به ریاست محترم حقوق کابل و از آنجا به ریاست محترم محکمه مربوطه جهت گرفتن تفریق به سبب ضرر راجع شد، و بعد از ۵ ماه قضیه به نفع خانم متضرر در محکمه حل و فصل گردید.

هنوز یکتعداد از قربانیان قضایا در مراکز حمایتی بسر می‌برند. همان‌طوریکه قبلاً هم تذکر داده شد یک تعداد آنها قضایای شان در محاکم تحت دوران قرار دارد و یک تعداد شان از اینکه خانواده‌های شان آنها را نمی‌پذیرند و یا اینکه خود آنها نمی‌خواهند با خانواده‌های خود مدغم شوند، در حالت بی‌سرنوشتی در مراکز حمایتی زنان به سر می‌برند.

## **نتیجه‌گیری**

در جریان سال مالی ۱۳۹۷ به تعداد ۱۱۲ قضیه فرار از منزل در دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت شده و تمام این قضایا توسط کارمندان بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان دفتر ساحوی کابل مورد رسیدگی قرار گرفته‌است. از این میان، ۳۲ تن از قربانیان قضایای فرار از منزل در نتیجه تلاش‌های کارمندان کمیسیون به خانه‌های خود برگشته و به خانواده‌های خود مدغم شده و از بی‌سرنوشتی‌های پدید آمده‌اند.

بررسی قضایای ثبت شده در دفتر ساحوی کابل نشان می‌دهد که قربانیان قضایای فرار از منزل به دلایل متعدد، نظیر عدم رعایت حقوق بشری آنان در خانواده (مثلاً عدم رعایت حق آزادی، ازدواج و تشکیل خانواده) خشونت‌های روانی، خانوادگی، مشکلات اقتصادی و فریب خوردن، خانه‌های خود را ترک نموده و دست به فرار از منزل زده‌اند. بنابراین،

رهایی از خشونت، تقاضای تفریق، ازدواج آزادانه با فرد دلخواه خود و موارد نامعلوم دیگر، از اهداف مهم قربانیان در قضایای فرار از منزل بوده است.

فرار از منزل عواقب و پیامدهای ناگوار برای قربانیان داشته است؛ هرچند تعداد قابل ملاحظه قربانیان با تلاش و حمایت کارمندان دفتر ساحوی کابل و همکاری مشاورین و وکلای مدافع مراکز حمایوی زنان دوباره به خانواده های خود مدغم شده اند، اما تعداد قابل ملاحظه دیگر با پیامدهای ناگوار نظیر تجاوز جنسی، تهدید و خشونت مواجه شده‌اند. در عین حال شمار زیادی از این افراد تا هنوز بی سرنوشت‌اند و به دلایل متعدد هنوز به خانواده‌های خود مدغم نشده‌اند. با در نظرداشت احکام قانون جزایی سابق، کود جزاء افغانستان باردیگر حکم روشنی در زمینه فرار از منزل مقرر داشته و این عمل را تحت شرایط خاص، جرم ندانسته است. این حکم تضمین محکم برای حمایت از قربانیان فرار از منزل است. در عین حال ایجاد خانه های امن (مراکز حمایوی) به عنوان مکانیزم حمایتی در حوزه حمایت از قربانیان، یک تدبیر مؤثر می‌تواند باشد. که لازم است در مورد فعالیتهای مؤثر این نهادها، توجه بیشتر صورت گیرد و از روند کار آنان نظارت منظم و مستمر انجام شود.

آنگونه که در متن گزارش آمده است، با همه حمایت‌ها و تدابیر قانونی و عملی که برای حمایت از قربانیان فرار از منزل تدبیر و عملی شده است، آنها با توجه به گسترش نا امنی، افزایش ناامنی اجتماعی، فقر، بیکاری، اعتیاد و سایر نارسایی های اجتماعی، به محضی که از خانه خارج می‌شوند، با انواع مختلف تهدیدها و خطرات جدی مواجه می‌باشند. بنابراین، این گروه از افراد شدیداً نیازمند حمایت‌های بیشتر قانونی و عملی می‌باشند و لازم است ارگان‌های مربوطه جهت جلوگیری از قربانی شدن مضاعف آنان و رهایی از خطرات متذکره، تمهیدات لازم را در نظر گرفته و عملی نمایند.

## چالش‌ها

خشونت های خانوادگی، مشکلات اقتصادی، رسم و رواج‌های نا پسند در جامعه؛ مثل ازدواج‌های اجباری، بد دادن، ازدواج‌های بدل و نقض حقوق زنان و دختران در شماری از خانواده‌ها، از عوامل عمده فرار زنان و دختران بشمار می‌رود، که این موارد چالش‌های را نیز بدنبال دارد.

اما در کنار موارد فوق که درعین عامل بودن، چالش‌های جدی نیز در این حوزه می‌باشد، چالش‌های دیگری نیز وجود دارد که زندگی قربانیان فرار از منزل را تهدید کرده و آنانرا به صورت مضاعف قربانی می‌کند. نگاه منفی خانواده‌ها نسبت به پدیده فرار از منزل مهمترین چالش در این عرصه است. وقتی یک زن بنا بر ناگزیری‌های که در این گزارش بررسی شد، خانه خود را ترک نموده و دست به فرار از منزل می‌زند، دیگر فرصت برای بازگشت دوباره وی به خانه در بسیاری موارد وجود ندارد. چون خانواده‌ها فکر می‌کنند که شخص قربانی آبروی خانواده را از بین برده و شایسته بازگشت دوباره به آغوش گرم خانواده نیست. حتی ممکن است برخی از خانواده قصد جان فرد قربانی را بکنند.

چالش دیگر نبود مراکز حمایوی زنان در برخی از ولایات تحت پوشش دفتر ساحوی کابل می‌باشد؛ وقتی یک زن از خانه فرار می‌کند، در ولایاتی که مراکز حمایوی زنان ایجاد نشده‌است، دیگر جای برای پناه بردن ندارد. در این صورت دوباره

خطر قربانی شدن وی متصور است. ممکن است توسط افراد دیگر مورد تعرض قرار گیرد، ممکن است در دام مجرمین قاچاق انسان و فحشاء بیفتد. بنابراین، نبود خانه‌های امن در برخی از ولایات یک چالش جدی فرا راه قربانیان قضایای فرار از منزل می‌باشد.

## پیشنهادات

با در نظر داشت اهداف، عوامل و پیامدهای فرار از منزل، که در گزارش حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌است، جهت کاهش قضایای فرار از منزل و جلوگیری از خطرهای آسیب‌های ناشی از آن، موارد زیر به مردم، خانواده‌ها و ارگان‌های مسئول دولتی و غیر دولتی پیشنهاد می‌گردد:

۱- آنگونه که در متن گزارش تصریح شده‌است، یکی از مهم‌ترین عوامل فرار از منزل خشونت‌های خانوادگی است، بنابراین، برای بلند بردن سطح آگاهی خانواده‌ها در مورد حقوق زنان و پیامدهای منفی خشونت علیه زنان برنامه‌های گسترده آگاهی دهی دایر گردد، تا سطح آگاهی عمومی در مورد خشونت علیه زنان و پیامدها و عواقب ناگوار آن ارتقاء یابد.

۲- تعداد زیادی از قربانیان به دلیل عدم رعایت و احترام خانواده‌ها به حق آزادی ازدواج و تشکیل خانواده، اقدام به فرار از منزل کرده‌اند. این افراد از ازدواج آزادانه منع شده و یا وادار به ازدواج اجباری و ازدواج قبل از اكمال سن قانونی شده‌اند. با توجه به اینکه ممانعت از ازدواج، ازدواج اجباری و ازدواج قبل از اكمال سن قانونی براساس احکام قانون منع خشونت علیه زن، جرم است، با مرتکبین اینگونه جرایم باید برخورد قاطعانه و قانونی صورت گیرد تا گراف این نوع جرایم پایین آمده و در نتیجه از میزان قضایای فرار از منزل کاسته شود.

۳- به نهادهای مربوطه پیشنهاد می‌شود که با قاطعیت بیشتر با جرایم خشونت علیه زنان، خصوصاً خشونت‌های خانوادگی برخورد قانونی نمایند و هیچ مجرمی نباید معافیت پیدا کند، تا با تطبیق احکام قانون و رسیدگی مؤثر به جرایم خشونت علیه زنان، گراف این نوع جرایم پائین آمده و زمینه‌های فرار از منزل از بین برود.

۴- آنگونه که در متن گزارش آمده‌است، قربانیان فرار از منزل با عواقب و پیامدهای ناگوار مواجه می‌شوند، بنابراین، لازم است نهاد های مربوطه از جمله ارگان پولیس با قربانیان فرار از منزل برخورد مسلکی داشته و به محض مراجعه آنان به این ارگان‌ها، مورد حمایت قرار گیرد تا مجرمین و گروههای مافیایی از آنان سؤاستفاده نتوانند.

۵- یافته‌های کمیسیون نمایانگر آنست که در ولایاتی که مراکز حمایتی زنان وجود ندارد زنان واقعاً با مشکلات خیلی جدی مواجه‌اند. یکی از تدابیر مهم حمایتی از زنان قربانی، ایجاد خانه‌های امن در ولایات است بنابراین، به ارگان‌های مربوطه پیشنهاد می‌شود که براساس احکام قانون منع خشونت علیه زن و مقرر مراکز حمایتی زنان، مؤسسات غیر دولتی را تشویق به ایجاد خانه‌های امن کرده و در عین حال تدابیری را برای ایجاد این مراکز در تمام ولایات کشور اتخاذ نمایند.

- ۶- لازم است جهت بهبود وضعیت مراکز حمایوی زنان و تضمین حمایت لازم و قانونی از قربانیان در این مراکز مکانیزم نظارت از این مراکز تقویت شده و از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز بتواند بدون هرگونه محدودیت از این مراکز نظارت دوامدار و بدون اطلاع قبلی داشته باشد.
- ۷- در مقررہ مراکز حمایوی زنان حکم و مکانیزم واضح و مؤثر برای تسلیم دهی زنان قربانی به اقارب و خانواده های شان در نظر گرفته نشده است. لازم است در این زمینه با ارگانهای ذیدخل مشورت صورت گرفته و با بازنگری این مقررہ، تدابیر مؤثر برای تسلیم دهی قربانیان در نظر گرفته شده و ضمانت محکم و قابل استناد در محاکم از فرد تسلیم گیرنده اخذ گردد.
- ۸- لازم است مراکز حمایوی زنان قانونمندتر شود و مقررہ جامع برای تنظیم امور و اجراءات این مراکز تهیه و تدوین شود و تمام مسایل نظیر نحوه تسلیمی مجدد قربانیان به خانواده شان، مکانیزم نظارتی پس از تسلیم دهی و تمهیدات مالی برای قربانیان بعد از تسلیم دهی در مقررہ مربوطه گنجانیده شود.
- ۹- یکی از عوامل قضایای فرار از منزل عرف و عنعنات ناپسند اجتماعی نظیر بد دادن، بدل نمودن، نامزدی در زمان طفولیت و غیره است. لازم است نهادهای مختلف و ذیربط، از جمله وزارت محترم امور زنان، وزارت اطلاعات و فرهنگ و وزارت حج و اوقاف با راه اندازی برنامه های آگاهی دهی و ترویجی، اثرات زیانبار این عرفها را کمتر بسازند.